۶۹

سال دوازدهم
شماره دوم

مجلۀ حقیقت

علمی فرهنگی جهادی

جمادی الاول و جمادی الثانی ۱٤٤٦ هـ ق
جدی و دلو ۱۴۰۳ هـ ش
جنوری و فبروری ۲۰۲۵ م



شاروالی کابل: معیاری سازی شهر کابل مطابق نورم های ملی و بین المللی از اولویت های کاری ماست

مجله علمی فرهنگی جهادی
حقیقت



سال دوازدهم، شماره دوم * جمادی‌الاول و جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ هـ ق * جدی و دلو ۱۴۰۳ هـ ش* جنوری و فبروری ۲۰۲۵م

مدیر مسئول: احمد تنویر (مولوی نعیم‌الحق حقانی)

تماس:
Haqiqat.mag@gmail.com
ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

صفحه توئیتر مجله حقیقت:
@HaqiqatMagazine

صاحب امتیاز:
امارت اسلامی افغانستان

مترجم انگلیسی: حشمت ناصری
دیزاین: صابر بلوچ

فهرست مضامین

کلام نخست

کابل، شهر معیاری و در شأن یک پایتخت کشور باستانی خواهد شد

پایتخت کشورها به عنوان نمادی شناخته می‌شود که معرفی کننده کشور است و تمام ارزش‌های یک کشور را به نمایش می‌گذارد.
کابل، پایتخت کشور فرهنگی و باستانی ما، مرکزی که تاریخ کهن و ارزش‌های فراوان فرهنگی را در دل خود نهفته دارد، باید طوری مدیریت و طرح‌سازی شده باشد که بتواند از ارزش‌های بزرگ، نمایندگی نماید.
افغانستان را به‌طور نمونه با نام کابل می‌شناسند و این معرفت می‌طلبد که بیشتر مورد توجه قرار گیرد و به امور آن، رسیدگی شود.
کابل به عنوان یک شهر مهم و بی‌نظیر، همواره مورد توجه نظام‌ها بوده است که در منطقه، مثالش نیست.

این ولایت باستانی، میزبان هزاران تن از بزرگان دین، شخصیت‌های علمی مشهور جهانی و چهره‌هایی است که کمتر پایتخت‌های کشورهای منطقه در خود دیده‌اند.
اکنون، خبرهای خوش درباره بازسازی و ساخت و ساز شهر جدید کابل در راه است، چنان مولوی عبدالسلام حنفی معاون ریاست الوزراء امارت اسلامی افغانستان نوید ساختش را داده و گفته است که ساخت شهر کابل جدید، یک پروژۀ بزرگ و ملی است.
بدون شک، این اقدام برای رسیدن به شهری که باید به آن توجه شود و ساخت‌وساز در پایتختی که حقش است، حیاتی بوده و برای همه افغان‌ها، باارزش و قابل قدر می‌باشد.
به دلیل افزایش جمعیت نفوس و نمایندگی‌های ادارات داخلی و نهادهای خارجی در کابل، این شهر نیاز به وسیع‌شدن، مدرن‌شدن و بهسازی دارد که حکومت افغانستان در راستای عملی شدن آن، متعهد است.

مولوی عبدالسلام حنفی معاون اداری ریاست الوزراء، در مراسم افتتاحیۀ فاز اول شهر کابل جدید که روز ۲۰ قوس صورت گرفت، این پروژۀ را یک پروژۀ بزرگ و ملی خواند که تحول بزرگی را در عرصه‌های مختلف، ایجاد خواهد کرد.

در واقع، عملی‌سازی این کار پاسخگویی به رشد جمعیت، کمبود مسکن، ایجاد زیر بناها، حمایت از سکتور خصوصی، رشد اقتصادی و مواردی از این قبیل خواهد بود که نقش حیاتی و مهمی در مدیریت وضعیت کابل زیبا خواهد داشت.
ساخت این شهرک، یک گوشه از کارهای است که می‌تواند کابل زیبا را رونق بدهد. این پایتخت باستانی، در تاریخ منطقه و جهان، از جایگاه و اهمیت بخصوص برخوردار است، زیرا شاهد تمدن‌های بزرگ، شکست قدرت‌های بزرگ و پرورش نسل‌های نیرومند از لحاظ معنوی و مادی بوده است.
هر چند بیشتر بخاطر این پایتخت باستانی کشور تلاش صورت گیرد و منظم‌تر باشد، بدون شک مورد توجه قرار خواهد گرفت و گردشگران زیادی را به سمت خود خواهد کشاند، زیرا این ولایت، به عنوان گنجینه‌ی از تمام دارایی‌های افغانستان شناخته می‌شود و هر آبادی آن، نمادی از آبادی افغانستان است.

این کابل، در خود رازها، گنج‌ها و دارایی‌های پنج هزار سال تاریخ کشور ما را نهفته دارد و هر چقدر هم که برایش کار صورت گیرد، برای تاریخ و ارزش‌های کشور ما، کار صورت گرفته است.







فرصت‌ها و راه‌هایی برای توسعه در افغانستان

مقصود ابراهیمی

کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان، با چالش‌ها و فرصت‌های مختلفی برای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، به ویژه در عرصه اقتصادی مواجه هستند که در این مقاله، به برخی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها و استراتژی‌هایی که می‌توانند به توسعه اقتصادی کمک کنند، اشاره خواهد شد.

پیشرفت‌های اقتصادی

رشد اقتصادی، برنامه‌ای است که هر حکومت و نظامی در جهان امروز، در تلاش برای تحقق آن می‌باشد. چون رشد اقتصادی، زمینه‌ساز تعالی و ترقی در جوامع است و حکومت‌مداران را کمک می‌کند تا برنامه‌های بیشتر و بهتری برای توسعه کشورشان، طرح و عملی سازند.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند و نرخ رشد اقتصادی بالایی داشته‌اند که به بهبود شرایط زندگی و کاهش فقر منجر شده است.

توسعه زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایی مانند راه‌های مواصلاتی، انرژی و ارتباطات، از جمله عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی است. این زیرساخت‌ها باعث کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی و بهبود دسترسی به بازارهای جهانی می شوند.

افزایش سطح تحصیلات: بهبود آموزش و افزایش سطح سواد عمومی، به ویژه در زمینه‌های فنی و انجینیری، نیروی کار ماهرتری را برای صنایع و بخش‌های اقتصادی فراهم می‌کند.

بـه هـر انـدازه که جامعـه از توانایـی علمـی و تحصیلی بلندتـر برخوردار باشـد، بـه همان انـدازه از فرصت‌های موجـود در جامعـه استـفاده بیـشتری خواهـد شـد. مختصصـان بخاطـر مدیریـت منابـع انسـانی و منابـع مالـی، نقـش بزرگـی در جوامـع بـازی می‌کننـد و می‌تواننـد بـا استـفاده از کمتریـن امکانـات، بیشتریـن استـفاده را نماینـد.

راه‌های رسیدن به پیشرفت

سیاسـت‌های اقتصـادی: اجـرای سیاسـت‌های اقتصـادی کـه بـه ثبـات اقتصـادی، کاهـش فسـاد، و تشـویق سرمایه‌گـذاری داخلـی و خارجـی کمـک می‌کنـد، ضروری است. ایـن شـامل اصلاحـات در قوانیـن مالیاتـی، تنظیـم بازارهـا و حمایـت از نـوآوری می شـود.

پیـوستن بـه تجـارت بین‌المللـی: تمرکـز بـر صـادرات و مشـارکت در تجـارت جهانـی می‌توانـد بـه کسـب درآمـد ارزی و رشـد بخش‌هـای صنعتـی کمـک کنـد. توسـعه بازارهـای جدیـد و تنـوع بخشـیدن بـه تولیدات صادراتـی از راه‌هـای تقویـت تجـارت اسـت.

استـفاده از فناوری و نـوآوری: سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسـعه و افزایـش دانـش فنـی می‌توانـد بـه پیشرفـت تکنولوژیـک و رقابتی‌شـدن در بازارهـای جهانـی منجر شـود. انـقلاب صنعتـی و فناوری‌هـای مرتبـط بـا آن می‌تواننـد نقـش مهمـی در ایـن زمینه داشـته باشـند.

تلاش بـرای تامیـن توسـعه پایـدار: توجـه بـه توسـعه پایـدار و حفاظـت از محیـط زیسـت می‌تواند بـه ایجاد اقتصادهایـی مقـاوم در برابر تغییرات اقلیمـی و با منابع پایـدار کمـک کنـد. ایـن شـامل استـفاده از انرژی‌های تجدیدپذیـر و بهبـود کارآمـدی انرژی اسـت.

همـکاری برای رشـد مشـارکت عمومـی و خصوصـی: تقویـت همکاری‌هـای بیـن بخـش دولتـی و خصوصـی می‌تواننـد منابـع و تخصص‌هـا را بـرای پروژه‌هـای بـزرگ توسـعه‌ای بـه هـم پیونـد دهد.

پیشرفـت اقتصـادی در کشـورهای در حـال توسـعه نیازمنـد ترکیبی از استراتژی‌های اسـت کـه باید با توجه بـه شرایـط خـاص هـر کشـور اجـرا شـوند. همچنیـن، توجـه بـه عوامل اجتماعـی و فرهنگی و مشـارکت مردم در فراینـد توسـعه، جـزء لاینفک پیشرفت پایدار اسـت. توسـعه پایـدار یـک رویکـرد بلندمـدت بـه پیشرفـت اقتصـادی، اجتماعـی و محیـط زیسـتی اسـت کـه بـر تعـادل بیـن ایـن سـه بعـد تأکیـد دارد. هدف از توسـعه پایـدار ایـن اسـت کـه نیازهـای نسـل حـاضر بـدون بـه خطـر انـداختن توانایـی نسـل‌های آینـده بـرای بـرآورده کـردن نیازهـای خود تأمین شـود کـه برخی از مـوارد در ایـن جـا ذکـر می‌گـردد:

از جنبه‌هـای اقتصـادی می‌تـوان بـه نکته‌های زیر اشاره کـرد:

رشـد اقتصـادی پایـدار: رشـدی که بـه منابـع طبیعی و انسـانی آسـیب وارد نکند.

اشـتغال بـا کیفیـت: تضمیـن شـغل‌هایی کـه نـه تنها به تولیـد ثـروت کمـک کنند بلکـه شرایـط کاری منصفانه و سـالم را نیـز فراهـم آورند.

اقتصـاد چرخشـی: تغییـر از مدل اقتصاد خطـی (تولید، اسـتفاده، دور انـداختن) بـه مدلـی کـه بـر بازیافـت، اسـتفاده مجـدد و کاهـش ضایعـات تمرکـز دارد.

برخی از جنبه‌های اجتماعی

عدالـت اجتماعـی: کاهـش نابرابری‌هـا و ایجـاد فرصت‌هـای برابـر بـرای همـه در شـهر و ولسـوالی‌ها، بـه ویـژه در زمینه‌هـای آمـوزش، صحـت و مشـارکت سیاسـی.

توسـعه انسـانی: افزایش سـطح آمـوزش، حفظ الصحه و رفـاه عمومـی بـه عنـوان مبنایی برای رشـد پایدار.

برخی از جنبه‌های محیط زیستی

حفاظـت از محیـط زیسـت: کاهش آلودگـی، حفاظت از تنـوع زیسـتی و مدیریـت پایدار منابـع طبیعی.

انـرژی پـاک: انتقـال بـه انرژی‌هـای تجدیدپذیـر و کاهـش انتشـار گازهـای گلخانـه‌ای بـرای مبـارزه بـا تغییـرات اقلیمـی.
مدیریـت پایـدار آب: تضمیـن دسترسـی بـه آب سـالم و مدیریـت منابـع آبـی بـرای جلوگیـری از کمبـود آب.

برخی از ابزارها و سیاست‌ها شامل

قوانیـن و مقـررات: ایجـاد قوانینـی کـه حفاظـت از محیـط زیسـت و حقـوق اجتماعـی همه مردم در شـهر و ولسـوالی ها را تضمیـن کننـد.
نـوآوری و تکنولـوژی: اسـتفاده از فناوری‌هـای پیشرفته بـرای حل مشـکلات.
آمـوزش و آگاهی‌رسـانی: افزایـش آگاهـی عمومـی دربـاره اهمیـت توسـعه پایـدار و نقـش هـر فـرد در آن.
توسـعه پایـدار بـه همـکاری بین‌المللی، ملـی و محلی نیـاز دارد و شـامل استراتژی‌هـای بلندمدت اسـت که بایـد به طور مـداوم پایـش و بهبـود یابنـد تـا بـا چالش‌هـای جدیـد مواجـه شـوند. ایـن فرایند بـه تغییـرات اساسـی در شـیوه‌های زندگـی، تولیـد و مصرف نیـاز دارد.
پیشرفـت اقتصـادی افغانسـتان به دلیـل شرایط خـاص جغرافیایی، سیاسـی و اجتماعـی کشـور، نیازمنـد طرح‌هـا و استراتژی‌هـای متنـوع و هدفمنـد اسـت. در اینجـا بـه برخـی از طرح‌هایـی کـه می‌تواننـد موثـر باشـند اشـاره می‌کنیـم:
۱. توسعه زیرساخت‌ها:
جاده‌هـا و راه‌آهـن: بهبـود و توسـعه جاده‌هـا و خطـوط راه‌آهـن بـرای تسـهیل تجـارت داخلـی و بین‌المللـی. پروژه‌هایـی ماننـد تاپـی (خـط لولـه گاز ترکمنسـتان-افغانستان-پاکسـتان-هند) و افغـان ترانـس (پـروژه ترانزیتـی) می‌تواننـد بـه ایجاد زیرسـاخت‌های ترانزیتی و افزایـش درآمدهـای ترانزیتـی کمـک کننـد.
خوشـبختانه امـارت اسلامـی افغانسـتان در این راسـتا، گام‌هـای اساسـی را برداشـته اسـت و نیـاز اسـت کـه در ایـن زمینـه، تلاش‌هـا همچنـان ادامه داشـته باشـد تا بـه هـدف دسـت داشـته که همانـا تعالـی و پیشرف در افغانسـتان اسـت، برسیم.
انـرژی: سرمایه‌گـذاری در پروژه‌هـای انـرژی ماننـد کاسـا-۱۰۰۰ (پـروژه انتقـال بـرق از آسـیای میانـه بـه جنـوب آسـیا) و انرژی‌هـای تجدیدپذیـر نیـز بـرای افغانسـتان از اهمیـت زیـادی برخوردارنـد.
افغانسـتان بـه انـرژی ضـرورت دارد تـا بتوانـد از تکنالـوژی روز و آن چـه از فناوری کـه باعث تعالی در جامعـه می‌گـردد، اسـتفاده بـهتر و بیشـتری نمایـد.

سرمایه‌گذاری در کشاورزی و صنایع وابسته

بهبـود تکنالـوژی زراعتـی و مدرن‌سـازی ایـن بخـش: اسـتفاده از روش‌هـای مـدرن زراعتـی، بهبـود سیسـتم‌های آبیـاری و ارائـه آموزش‌هـای زراعتـی بـه کشـاورزان، می‌تواند زراعـت افغانسـتان را متحـول کرده، خودکفایـی را در عرصـه زراعتـی برای ما تامیـن نمایـد. اکنـون مـا بـه وسـایل جدیـد، تخـم اصلاح شـده نباتـی و طرح‌هـای نویـن بـرای زراعـت خـود نیـاز داریـم.
تـا زمانـی کـه زراعـت مـا پیشرفـت اساسـی نکنـد، در بخش‌هـای مختلـف مـا بـه مشـکل کمبـود مـواد اولیـه روبـرو خواهیـم بـود.
فـرآوری و صـادرات محصـولات زراعتـی: ایجـاد کارخانه‌هـای فـرآوری بـرای افزایـش ارزش افـزوده محصـولات کشـاورزی و تسـهیل صـادرات آنهـا،

می‌توانـد دلگرمـی بیـشتری بـه دهقانـان بدهـد. مـا سـالانه شمار زیـادی از مـردم را داریـم کـه بخاطـر عوامـل و دلایـل مختلـف، زراعت و کشـاورزی را رها و بـه شـغل‌های دیگـری روی می‌آورنـد کـه ایـن کار بـرای مـا مفید نیسـت.

توسعه صنعتی و معدنی

استـخراج و پـردازش مـواد معدنـی: افغانسـتان دارای منابـع غنـی معدنـی اسـت و سرمایه‌گـذاری در ایـن بخش می‌توانـد منبـع درآمـد بزرگـی باشـد. اکنـون بـا تامین امنیت، زمینه بخاطر اسـتفاده از معادن افغانسـتان مهیا شـده اسـت.

معـادن، سرمایه‌هـای اساسـی مـردم ما هسـتند که کمتر مـورد اسـتفاده قـرار گرفتـه و حـالا نیـاز اسـت کـه در قسـمت اسـتفاده از معـادن افغانسـتان، سـعی و تلاش بیـشتری صـورت گیـرد.

توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری

حمایـت از سرمایه‌گذاری‌هـای داخلـی و جـذب سرمایه‌گـذاری خارجـی می‌توانـد بـرای افغانسـتان حیاتـی باشـد. ایجـاد مشـوق‌های مالیاتـی، تضمیـن امنیـت سرمایه‌گـذاری و تسـهیل قوانیـن سرمایه‌گذاری بـرای حمایـت از سرمایه‌گـذاران داخلـی و جـذب سرمایه‌گـذاران خارجـی نقـش بزرگـی می‌تواننـد بـازی کننـد.

توسـعه بازارهـای منطقـه‌ای: افزایـش تجـارت بـا کشـورهای همسـایه و منطقـه بـرای دسترسـی بـه بازارهـای بزرگ‌تـر می‌توانـد عامـل مهمـی باشـد. ایـن طرح‌هـا بایـد بـا در نظـر گـرفتن شرایـط سیاسـی، امنیتـی و اجتماعـی افغانسـتان اجـرا شـوند و همکاری بین‌المللـی نقـش کلیـدی در موفقیـت آنهـا خواهـد داشـت.

در نتیجـه، مـی تـوان گفـت، بـا توجـه بـه نیـازی کـه افغانسـتان بـرای توسـعه و پیشرفـت دارد، بایـد به رشـد زیرسـاخت‌ها در بخش‌هـای مختلـف، توجـه صـورت گیـرد تـا رونـد رو بـه توسـعه، پـس از آغـاز و حرکتش، بـه خوبـی راهـش را پیـدا و به حرکـت خود ادامـه دهد.



حاجی خلیل شهید؛

نمادی از شجاعت و خیرخواهی!

مولوی نعیم‌الحق حقانی
(رئیس مرکز رسانه‌های حکومت)

واقعه دردناک شهادت مرحوم حاجی خلیل الرحمن حقانی (تقبله‌الله) برای همه شوک‌کننده بود؛ چون آن درویش‌صفت صلح‌جوی که روزگاری مرد اول سنگرهای داغ جهاد بود این روزها به مرد اول خیرخواهی و صلح‌جویی و در کدام مسئولیت که وظیفه اجرا می‌کرد شخص اول امید مهاجرین بی‌سرپناه و بی‌کس افغانستان بود، ایشان همواره در هر وظیفه با انرژی و شوق، و انگیزه فراوان وارد عمل شده و چنان در کار خود با اشتیاق مصروف می‌شد که گویی خداوند ایشان را بهر همان کار ساخته است.

حاجی خلیل مرحوم از خانواده بزرگ «حقانی‌ها» و از چهره‌های مطرح در قوم، قبیله و به عنوان ریش‌سفید صلح‌جوی در ملت افغانستان شُهره بود، و با اینکه جوانی‌اش را در سخت ترین شرایط جنگی در مسئولیت‌های خطیر نظامی سپری کرده بود؛ اما در عین حال در وظایف ملکی نیز به طور خدادادی استعداد و مهارت ویژه نصیب‌شان شده بود.

حاجی خلیل‌الرحمن (تقبله‌الله) مسمی با نام نیک‌اش و مطابق وجه تسمیه‌اش حقیقتا خلیل رحمان نیز بود که الله متعال ایشان را در زمره مجاهدین سلحشور در برابر تجاوز شوروی و از افراد کلیدی جهاد آن زمان قرار داده، و نیز توفیق جهاد و ایستادگی در برابر تجاوز شوم امریکا و ائتلاف ناتو بر افغانستان را نصیبش گردانیده، و در قامت یکی از فرماندهان درجه یک جهادی بهترین مبارزات را در کارنامه خود دارد؛ و پس از پیروزی امارت اسلامی بدون چون و چرا در یکی از مسئولیت‌های مهم کشور (وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان) چون فردی درد دیده خود را به آب و

آتش می‌زد تا خدمتی به مهاجرین کرده باشد و اتفاقا در مهم‌ترین مرحله سرنوشت مهاجرین که در بدترین شرایط از کشورهای دور و نزدیک گاه به اجبار عودت داده می‌شدند؛ حاجی خلیل (تقبله‌الله) به عنوان فرد اول نظام بدون درنظرداشت جایگاه رسمی خود و بلکه منحیث یک افغان آزاد در سرحدات کشور چون کوه شامخ ایستاده و با چهره که از درد و رنج حکایت داشت و لکن پشت لبخند دلنشین خود حفظش می‌کرد مثل پدر دلسوز دست پر شفقت خویش را بالای سر مهاجرین بالاخص نوجوانان اطفال و محاسن سفیدان کشیده و آنها را با محبت تمام به آغوش گرفته، خوش‌آمدید گفته و برای خدمت به آنها از جانش مایه می‌گذاشت.

حاجی خلیل‌الرحمن حقانی (تقبله‌الله) نه فقط در وظیفه ملکی و نظامی بلکه در عبادت و ایجاد ارتباط با ذات یگانه الهی خصوصیات فردی خودش را داشت اینکه تا مرحله شهادت با زبان ذاکر و قلبی شاکر جام زرین شهادت را سر کشید و دعوت حق را لبیک گفت نشانگر آن است که آن مرد مومن و درویش‌صفت تا چه حد به خدایش نزدیک، و تعلق و ارتباطش با ذات یگانه حق برقرار بود که همانند بسیاری از دوستان خدا توسط کینه‌توزترین دشمنان اسلام جام شهادت می‌نوشد.

مرحوم حاجی خلیل در بحث صلح‌جویی و خیرخواهی یکی از بهترین‌های روزگار بودند؛ ایشان در حل و فصل مسایل قومی، و ایجاد صلح و تلاش برای جورآمد بین اقوام از هر کسی بیشتر مهارت داشت؛ و چون نیت‌اش خیرخواهانه و صادق بود و لو که صدها نفر در مابین دو گروه کشته شده بودند حاجی خلیل (رحمت‌الله علیه) چون صدایش بوی دوست بود و گاهی که به نیت خیرخواهی سخن می‌گفت طرفهای متخاصم به رضایت و جورآمد تن داده و به دست شهید، بسیاری دست‌ها در دست هم برای صلح، و دفع شر و فتنه انگیزی دست محبت و احترام می‌دادند.

از دیگر صفات برجسته مرحوم حاجی خلیل شهید، حضور همیشه در صحنه وی در تمام جلسات دولتی و غیر دولتی بود ایشان در اکثر مجالس با چهره بشاش حضور می یافت و اکثرا با سخنان دلسوزانه خود مطابق موضوع در هر مسئله که به خیر کشور بود سخن می‌گفت و به نهادهای دولتی و حاضرین در مجالس نوید و امید داده و همه را به آینده خوب و روشن تشویق و انگیزه می‌داد.

حاجی خلیل (تقبله‌الله) از دیگر ویژه‌گی‌هایش آن بود که همواره در تمام مجالس با رفتار خاکسار و عاجزانه؛ ولی در عین‌حال در قالب یک فرمانده جهادی با ابهت که چانته‌اش بسته و تفنگ پر افتخارش در دست حاضر می‌شد که این نیز نشانگر عشق خاص آن شهید والامقام به جهاد و دلبستگی شدیدش به سنگرهای داغ علیه کافران و متجاوزان بود؛ و در کنارش رعایت سنت شریف و همچنین نشان دادن اخلاق و سیره زیبای نبوی (علی صاحبها الف تحیه و سلام) بود که سلاح‌اش صرف برای دفع ظلم و امید مظلوم بوده و با آن کراکتر خاص خود همیشه از تمام حضار متمایز می‌گردید.

حاجی خلیل‌الرحمن حقانی (تقبله‌الله) چنان در دل همه جای داشت که با مرگ پرافتخارش جز عده‌ای کوردل دگر هر کسی چه در داخل و چه در خارج و حتی در دوردست‌ترین‌ها همه را متاثر کرد و هر کسی به نوعی خاطره‌ای شیرین از آن بزرگمرد جهاد و صلح یاد می‌نمود؛ و برایش اتحاف دعاء و به بازماندگان و متعلقین‌اش اجر جزیل و صبر جمیل مسئلت می‌نمودند.

به قول شاعر:

یاد داری وقت زادن تو همه خندان بودند و توگریان

آنچنان زی که وقت مردن همه گریان شوند و تو خندان

و در واقع شهید حاجی خلیل الرحمن حقانی (تقلبه‌الله) پس از عمری جهاد و مبارزه و خدمت به بندگان خدا وقتی از جمع یاران جدا شد خودش خندان، و یاران همگی در فراقش گریان بودند. تقبله‌الله







پروژه های انکشافی، گامی به سوی تعالی اقتصادی و خودکفایی ملی



شفیقه امیری

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ و تحولات سیاسی داخلی، شرایط اقتصادی در این کشور را به شدت ناپایدار ساخت. اقتصاد ضعیف افغانستان که متاثر از چندین دهه اخیر و متکی به کمک‌های خارجی بود، با کاهش و مسدود شدن این کمک‌ها وضعیت اقتصادی در افغانستان بدتر شده و فرصت‌های شغلی نیز کاهش یافت. در چنین حالتی که افغانستان روی پایه‌های ضعیف و شکننده اقتصادی ایستاده بود، امارت اسلامی افغانستان توانست تا اوضاع اقتصادی را کنترول و نظم عمومی را در سراسر کشور برقرار سازد. حکومت افغانستان طی این مدت پروژه‌های انکشافی و اقتصادی زیادی را در بیشتر ولایات آغاز و به اتمام رساندند.

با توجه به اینکه امارت اسلامی از زمان قدرت‌گیری در افغانستان همواره با چالش‌های زیادی از جمله تحریم‌های بین‌المللی و عدم به رسمیت شناختن روبرو بوده است، که این چالش‌ها بزرگترین مانع برای سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. اما با آنهم امارت اسلامی با تلاش‌های زیاد توانسته است سرمایه‌گذاران خارجی را جذب سازد.

چین که یکی از همسایه‌های افغانستان است و کوچکترین خط مرزی با افغانستان را دارد روابط خیلی نزدیک و گرم با امارت اسلامی داشته، قصد دارد تجارت شرق-غرب را با پروژه‌های حمل و نقل و زیر بنایی در مسیر تاریخی جاده ابریشم احیاء کند. همچنین درزمینه‌های انرژی، زیرساخت‌ها و بهره‌برداری از منابع طبیعی علاقمند همکاری با امارت اسلامی است. یک نمونه آن قرارداد شرکت چینی کیانگ با امارت اسلامی برای استخراج نفت از حوزه آمو دریاست.

فعالیت‌های اقتصادی طی سه سال گذشته:

کاهش کمک‌های خارجی، تحریم‌های بین‌المللی و منجمدساختن ذخایر افغانستان شرایط اقتصادی سختی را برای این کشور رقم زد. کشوری که در زمان جمهوریت وابسته به کمک‌های جهانی بود، با فروپاشی حکومت به شدت اقتصاد آن ضعیف شد اما امارت اسلامی با رویکردی متفاوت و استفاده از منابع داخلی نه تنها افغانستان را سرپای نگه‌داشت بلکه توانست تا افغانستان را از متکی بودن به دیگر کشورها آزاد سازد.

افغانستان دارای معادن غنی بوده که می‌تواند برای رشد اقتصادی دراین کشور کمک کند. امارت اسلامی افغانستان برای بهره‌برداری از این منابع قراردادهای زیادی را با شرکت‌های داخلی و خارجی آغاز کرد. هرچند تحریم‌ها و عدم به رسمیت شناختن حکومت افغانستان موانع زیادی را در این قسمت ایجاد کرده اما امارت اسلامی با تلاش‌های خود در این خصوص نیز موفق بوده است.

از زمان قدرت‌گیری امارت اسلامی تا به حال پروژه‌های انکشافی زیادی را روی دست گرفته، که از یک طرف زمینه کار را برای مردم فراهم می‌کند و از طرف دیگر سهولت‌های را نیز ایجاد می‌کند. که این امر اثرات مثبت برای حکومت و مردم دارد.

یکی دیگر از دستاوردهای امارت اسلامی در زمینه اقتصاد آغاز کار پروژه تاپی است که در حکومت پیشین تلاش‌های اندکی برای تکمیل آن انجام شده بود. این پروژه انتقال گاز از ترکمنستان به افغانستان، سپس پاکستان و هندوستان را فراهم می‌سازد. این پروژه می‌تواند یکی ازبزرگترین پروژه‌های اقتصادی در ۲۰ سال اخیر در افغانستان باشد که نمونه بارز مزایای اقتصادی آن قرار ذیل است:

۱- دریافت سالانه حدود ٤٠٠ ملیون دالر حق العبور؛
۲- ایجاد هزاران شغل به شکل مستقیم و غیر مستقیم؛
۳- ایجاد سب استیشن‌های برق؛
٤- رشد اقتصادی وافزایش قدرت خرید مردم؛
٥- افزایش عواید حکومت و گستردگی پروژه‌های انکشافی دولت برای مردم از عواید کسب شده از این پروژه؛
٦- انکشاف صنایع؛
۷- تأمین بخش انرژی مورد نیاز کشور؛
۸- تثبیت اهمیت جایگاه اقتصادی و استراتیژیک برای افغانستان.

نمونه‌های پروژه‌های اقتصاد محور امارت اسلامی:

تکمیل مرحله اول ساخت پروژه تاپ و ساخت سب استیشن برق نورالجهاد در ولایت هرات؛

پل خط آهن به امتداد ۱۷٦۸ متر درگذرگاه سرحد آباد به بهره‌برداری سپرده شد؛

کار ساخت دستگاه کمپریسور گاز منطقه شاتلیق آغاز گردید و اکنون درحال کار است؛

کار ساخت وساز لاین فایبر نوری در مسیر سرحد آباد هرات که درعرصه مخابرات و انترنت گام بزرگ است، آغاز شد؛

کار ساخت وساز خط آهن تورغندی –سنوبر در مسیر هرات آغاز شد و اکنون در حال جریان است؛

کار ساخت وساز مجموعه هنگرهای معیاری وبزرگ در ایستگاه خط آهن بندر تورغندی آغاز گردید؛

تکمیل کار نصب ترازوهای دیجیتالی و استفاده از سیستم آسیکودا در گمرکات کشور.

همچنین پروژه کابل جدید که از بزرگترین پروژه‌های شهرسازی افغانستان می‌باشد. طرح ساخت آن در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی تصویب شد. این پروژه در دو مرحله ۱۵ ساله طراحی شده که برای سه میلیون نفر اسکان را فراهم می‌کند. حکومت پیشین با وجود اینکه زمینه مساعد برای تطبیق و عملی‌سازی پروژه‌ها داشت اما نتوانست دستاوردهای زیادی داشته باشد و بیشتر پروژه‌های آن به دلایل مختلف متوقف و ناتکمیل باقی مانده است. اما اکنون امارت اسلامی صدها پروژه بزرگ و کوچک انکشافی جدید و ده‌ها پروژه ناتکمیل از حکومت قبلی را آغاز کرده است.

فعالیت‌های اقتصادی که امارت اسلامی در این مدت انجام داده است بیشتر در بخش‌های انرژی، زیرساخت‌ها و معادن می‌باشد. سرپرست وزارت شهرسازی و مسکن امارت اسلامی می‌گوید که طرح‌هایی را برای معیاری‌سازی شهرهای بزرگ روی میز کار دارند.

امارت اسلامی در حوزه زیرساخت‌ها روی بازسازی و بهبود سرک‌ها، پل‌ها و دیگر مسیرهای ارتباطی سرمایه‌گذاری کرده که سهولت‌های زیادی را برای مردم ایجاد کرده است. در بیشتر شهرهای افغانستان جاده‌ها بازسازی و آسفالت شده است که سبب تسهیل در حمل و نقل همچنین تسهیل در رفت و آمدهای افراد از مناطق دورافتاده در سطح شهر شده است. کانال‌کشی، آسفالت و بازسازی سرک‌ها نه اینکه فقط سبب تسهیل برای مردم شده بلکه زیبایی شهرها را نیز دو چندان کرده است. برآورد می‌شود اگر امارت اسلامی چنین در بخش‌های اقتصادی و انکشافی کار کند در سال‌های آینده شاهد تغییر زندگی مردم و چهره شهرها در افغانستان خواهیم بود.

بمیر،

ولی نگذار صدای حق خاموش شود!

نویسنده: ادهم شرقاوی
مترجم: مصطفی توکلی

از گذشته‌ها داستان جالبی تعریف می‌کنند و آن این است: خروسی بود که سحرگاهان بانگ سر می‌داد و صاحبش ازاین وضعیت به تنگ آمد؛ چون مزاحم خواب و استراحتش می‌شد، تا اینکه روزی از روزها به خروسش گفت: ای خروس، اذان گفتن را بس کن، وگرنه تو را می‌کشم. خروس هم با خود چاره اندیشید و گفت: «الضروراتُ تبیح المحظورات، ومن السیاسة الشّرعیّة أن أتنازل قلیلاً حتی أحافظ علی نفسي، وعلی کلّ حال هناك دیوك غیري سوف ترفعُ الأذان؛ در هنگام ضرورت، حتی حرام را می‌توان حلال کرد و سیاست شرعی این را تقاضا می‌کند که انسان برای حفظ جان خود، کمی سازش کند، به هر حال خروس‌های زیادی‌اند غیر از من که حتماً اذان می‌دهند.» خروس هم اذان را بس کرد.

بعد از یک هفته، صاحب خروس دوباره آمد و خطاب به او گفت: تنها اذان نکردنت کفایت نمی‌کند، اگر مثل مرغ «قُد قُد» نکنی، تو را ذبح می‌کنم.

بازهم خروس با خود اندیشید و جملهٔ قبلی را تکرار کرد و گفت: الضرورات تبیحُ المحظورات، ومن السیاسة الشرعیّة أن أنحني قلیلاً حتی تمرّ العاصفة، ولا بأس ببعض «المقاقاة»؛

ضرورات حرام را حلال می‌کند و از سیاست شرعی هم این فهمیده می‌شود که هیچ اشکالی ندارد که تا سپری شدن تندبادها اندکی خم شوم و همچنان اشکالی ندارد که کمی «قد قد» بکنم، اینجا بود که خروس به «قُد قد» شروع کرد.

بعد از یک هفته صاحب خروس آمد و به او سخنی دیگری گفت: حالا یا همانند مرغ تخم گذاری می‌کنی یا اینکه ترا می‌کشم.

خروس متحیر شده و اشک‌هایش سرازیر شد و گفت: ای کاش در حال اذان گفتن می‌مردم، ولی ازاین وضعیت خفت‌بار و شرم‌آور «تخم‌دادن» نجات می‌یافتم.

بلی، سازش با یک قدم شروع می‌شود، ولی بعد از سازش، بازگشت به عقب غیرممکن است. تو بایسته و شایستهٔ آنی که باید سرت بالا گرفته و مسیر

خـود را ادامـه بدهـی. فقـط سرخـم کـردن در جایـی شایسـته اسـت کـه پاهایـت مثل کـوه در دل خـاک میخ و محکم شـده باشـد. هرچند وظیفه و مسـئولیت‌هایت بیـشتر و بزرگ‌تـر باشـد؛ همان انـدازه بـر موفقیت‌هـا و پایداری‌هایـت افزوده‌تـر می‌شـود.

ایـن را هـم خوب متوجه باشـید که وظیفه و مسـئولیت شما علـما و دانشـمندان، فراتـر از وظیفهٔ عوام‌النـاس اسـت و آنچـه از عوام‌النـاس پذیرفتـه می‌شـود، از علـما، اندیشـمندان و نویسـندگان پذیرفتـه نمی‌شـود؛ زیـرا علـما، الگـو بـرای جامعه هسـتند و مردم بـه آنها با دیـد احترام می‌نگرند و علما در سـعادت و خوشـبختی دیگـران چـون چـراغ در تاریکی‌هـا هسـتند. علـما یکـی را بـر دیگـری ترجیـح نمی‌دهنـد بـه انـدازه‌ای کـه هـم دیگـر را حفـظ می‌کننـد. علـما اسـتنباط و اجتهـاد می‌کننـد. علما هنـگام مصائب و مشـکلات، از دیگران متفاوت‌انـد.

ایـن را بـه یـاد داشـته باشـید: تنهـا چیـزی کـه مأمـون الرشـید از امـام احمـد بن حنبـل می‌خواسـت، این بود کـه از اذان گـفتن دسـت بـردار، یعنـی معتقـد و بـاور بـه خلـق قرآن باشـد، حـق را اظهـار نکنـد، همانطوری کـه عقیـده معتزلـه نیز چنین اسـت و بـاز داشتن از اذان «نـدای حـق» در هر عصر و زمانی از خود راه و روشـی داشـته و دارد.

امـا امام احمد خوب می‌دانسـت که تـا چه وقتی از اذان دسـت برنـدارد و تـا چه وقتی در مسیر خـود ادامه دهد و چطـور وارد مرحلـهٔ بعـدی شـود؛ چـون می‌دانسـت کـه حـتماً از او خواسـته می‌شـود کـه هماننـد مـرغ «قد قـد» نمایـد «یعنی هرآنچه که دسـتگاه حکومـت مأمون از او می‌خواهـد، بایـد اجـرا نمایـد» یـا اینکـه مامون به ایـن هـم راضـی نمی‌شـد؛ بلکـه از او می‌خواسـت کـه بـرای تخـم‌دادن تلاش ورزد. امـام احمـد می‌دانسـت کـه تنهـا بـرای حفـظ جـان خـود تلاش نمـی‌ورزد و از خـود نمایندگـی نمی‌کنـد؛ بلکـه بـرای یـک دیـن کامل و یـک امـت بـزرگ نمایندگـی می‌کنـد و در چنیـن موقعیت‌هـای حسـاس عمـل بـه رخصـت و تقیه‌بـازی در کار نیسـت.

پـس تصمیـم گرفـت تـا اذان بگویـد «حـق را بیـان نمایـد» و مأمـون هـر کاری می‌کنـد، بکنـد. بالاخره او را بـه میـدان عمومـی بغـداد بردنـد و او را شلاق زدنـد؛ امـا از بیـان حق، انـکار نورزیـد. این عمل کـرد و ثابت قدمـی امـام احمـد بـن حنبـل وی را ثبـت تاریـخ کرد تا جایـی کـه زبان‌زد عـام و خاص قرار گرفـت و دربارهٔ او گفته‌انـد: أبوبکـر یـوم الـرّدة وأحمـد یـوم الفتنة.

در روزهـای خـوش آب‌وهـوا، مـردم نیـازی بـه کُـت ندارنـد؛ امـا وقتـی طوفـان می‌آیـد، همه به سـمت کت می‌رونـد و علـما و دانشـمندان بـه مثابهٔ کت بـرای مردم هسـتند. مسـئولیت علـما این اسـت کـه مـردم را از شر فتنه‌هـا محفـوظ نگاه داشـته و آنهـا را در معرض لغزش قـرار ندهنـد؛ گرچـه ایـن کار هزینـهٔ بزرگـی هـم در بـر داشـته باشد.

مـردم نسـبت بـه علـما چنیـن بینـش و اعـتماد دارنـد و خطـاب بـه آنهـا می‌گوینـد: ای علـمای بزرگـوار: مـا احـکام وضـو و نمـاز، حیـض و نفـاس را می‌دانیـم و ایـن چیـزی نیسـت کـه از شما بخواهیـم، گرچـه علـم فقـه یکـی از علوم بزرگ و گسترده محسـوب می‌شـود؛ تنهـا چیزیـی کـه مـا از شما می‌خواهیـم ایـن اسـت که شما در راه دیـن و تبیـن آن، اسـتوار باشـید. از حق نگذریـد؛ حق‌گـو و حق‌جـو باشـید.

ای بیدارگـران امـت اسلامـی! عمرمختار، کسـی که در برابـر تمـام لشـکریان ایتالیـا ایسـتاده و خطـاب بـه شما چنیـن می‌گویـد: از سر پایینی و کرنش کـردن در مقابل دشـمن برحـذر باشـید، هـر چقدر هـم که ایـن امر لازم و ضروری باشـد؛ زیـرا ممکـن اسـت دیگـر فرصتـی بـرای بلنـد کـردن آن را نداشـته باشـید و بـرای همیشـه سرخـم بمانید.



مسئولیت کارشناسان در قبال ملت و کشور

احمدالله جلالی

کارشناسان به عنوان افرادی که دانش، تخصص و تجربه در حوزه‌های مختلف دارند، نقش حیاتی در پیشرفت و توسعه یک کشور ایفا می‌کنند. مسئولیت آنها تنها محدود به ارائه دانش تخصصی نیست، بلکه شامل تعهد به منافع ملی، اخلاق حرفه‌ای و خدمت به جامعه نیز می‌شود. در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف مسئولیت کارشناسان در قبال ملت و کشور پرداخته و اهمیت نقش آنها در بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحلیل می‌کنیم.

نقش کارشناسان در توسعه ملی: کارشناسان با بهره‌گیری از دانش و تجربه خود، می‌توانند در مسیر توسعه ملی گام‌های مؤثری بردارند. توسعه ملی به معنای بهبود کیفیت زندگی مردم از طریق ارتقاء زیرساخت‌ها، آموزش، بهداشت، فناوری و اقتصاد است. کارشناسان در حوزه‌های مختلف، از معماری و صحی گرفته تا علوم انسانی و فناوری، نقشی کلیدی در این فرآیند دارند.

استفاده از دانش تخصصی در حل مشکلات کشور یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های کارشناسان، استفاده از دانش تخصصی برای حل مشکلات ملی است. به عنوان مثال:

۱. معماران: می‌توانند در طراحی زیرساخت‌های پایدار و مقاوم کمک کنند.

۲. داکتران و متخصصان صحی: می‌توانند برای ارتقاء سلامت عمومی و مقابله با بیماری‌ها برنامه‌ریزی کنند.

۳. اقتصاددانان: می‌توانند با ارائه راه‌حل‌های اقتصادی، به کاهش بیکاری و تورم کمک کنند.

نوآوری و تحقیق: کارشناسان موظف‌اند که با انجام تحقیقات و نوآوری‌های علمی، کشور را در مسیر پیشرفت قرار دهند. کشورهای توسعه‌یافته از طریق سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و بهره‌گیری از تخصص کارشناسان خود به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند.

مسئولیت اخلاقی و اجتماعی کارشناسان: کارشناسان باید فراتر از مسئولیت حرفه‌ای خود عمل کنند و به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی نیز پایبند باشند. این مسئولیت‌ها شامل تعهد به حقیقت، انصاف، و اولویت دادن به منافع عمومی است.

تعهد به اخلاق حرفه‌ای: اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند که کارشناسان در هر شرایطی به منافع ملی و عمومی وفادار بمانند. این امر به معنای اجتناب از فساد، سوءاستفاده از دانش و اطلاعات، و تلاش برای ارائه بهترین خدمات ممکن است.

نقش در آموزش و آگاهی‌بخشی: یکی از مسئولیت‌های اجتماعی کارشناسان، آموزش و آگاهی‌بخشی به

مردم است. آنها می‌توانند از طریق برگزاری سمینارها، کارگاه‌ها و انتشار مقالات، دانش خود را به دیگران منتقل کنند و به ارتقاء سطح آگاهی جامعه کمک کنند.
مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه: کارشناسان می‌توانند در پروژه‌های داوطلبانه، از جمله ارائه خدمات رایگان در مناطق محروم، نقش مهمی ایفا کنند. این فعالیت‌ها علاوه بر کمک به مردم، به تقویت اعتماد عمومی به تخصص و دانش آنها منجر می‌شود.
مسئولیت کارشناسان در شرایط بحرانی: در شرایط بحرانی مانند بلایای طبیعی، بیماری‌های همه‌گیر یا بحران‌های اقتصادی، کارشناسان نقش حیاتی در مدیریت و کاهش آسیب‌ها دارند.
مدیریت بحران، کارشناسان در حوزه‌های مختلف می‌توانند در مدیریت بحران‌ها کمک کنند:
داکتران و متخصصان سلامت: در مدیریت بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا.
معماران: در بازسازی مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی.
روان‌شناسان: در ارائه خدمات روانی به افراد آسیب‌دیده.
ارائه مشاوره به دولت: یکی دیگر از مسئولیت‌های کارشناسان، ارائه مشاوره‌های علمی و تخصصی به دولت است. تصمیم‌گیری‌های صحیح در شرایط بحرانی نیازمند اطلاعات دقیق و تحلیل کارشناسانه است.
تأثیر کارشناسان در سیاست‌گذاری‌های ملی: کارشناسان می‌توانند با ارائه تحلیل‌ها و پیشنهادهای علمی، تأثیر بسزایی در سیاست‌گذاری‌های ملی داشته باشند. این تأثیرگذاری می‌تواند در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، آموزش، صحت و محیط زیست باشد.
تحلیل و پیش‌بینی: کارشناسان با تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی روندهای آینده می‌توانند به دولت و نهادهای تصمیم‌گیر کمک کنند تا سیاست‌هایی کارآمد و پایدار تدوین کنند.
نظارت و ارزیابی: یکی دیگر از وظایف کارشناسان، نظارت بر اجرای سیاست‌ها و ارزیابی نتایج آنهاست. این کار می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و بهبود فرآیندها کمک کند.
چالش‌های کارشناسان در انجام مسئولیت‌های خود: کارشناسان در مسیر انجام مسئولیت‌های خود با چالش‌های مختلفی مواجه هستند که می‌تواند تأثیرگذاری آنها را محدود کند.
کمبود منابع: یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، کمبود منابع مالی و زیرساختی برای انجام تحقیقات و پروژه‌های تخصصی است.
فشارهای سیاسی و اقتصادی: در برخی موارد، فشارهای سیاسی و اقتصادی ممکن است مانع از انجام وظایف کارشناسان شود. این فشارها می‌تواند شامل محدودیت در بیان نظرات یا تأثیرگذاری منافع شخصی بر تصمیم‌گیری‌ها باشد.
راهکارها برای افزایش مسئولیت‌پذیری کارشناسان: برای افزایش تأثیرگذاری و مسئولیت‌پذیری کارشناسان، باید راهکارهایی در سطح ملی و سازمانی ارائه شود.
تقویت نظام آموزشی ایجاد نظام آموزشی مبتنی بر تحقیق و اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به پرورش کارشناسان متعهد کمک کند.
حمایت از تحقیقات علمی: سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، می‌تواند انگیزه کارشناسان برای ارائه خدمات بهتر را افزایش دهد.
تقویت فرهنگ شفافیت: شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارائه اطلاعات به کارشناسان، می‌تواند اعتماد آنها به نظام را افزایش دهد و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های بهتر شود.
جلوگیری از مهاجرت نخبگان: با ارائه امکانات مناسب و ایجاد محیطی جذاب برای فعالیت‌های تخصصی، می‌توان از مهاجرت نخبگان جلوگیری کرد.

نتیجه‌گیری

کارشناسان به عنوان ستون‌های اصلی توسعه و پیشرفت کشور، مسئولیت‌های گسترده‌ای در قبال ملت و کشور دارند. از ارائه دانش تخصصی و حل مشکلات ملی گرفته تا مشارکت در آموزش و مدیریت بحران‌ها، نقش آنها غیرقابل انکار است. با این حال، برای افزایش تأثیرگذاری آنها، باید به چالش‌ها و نیازهایشان توجه ویژه‌ای شود. در نهایت، کارشناسان با تعهد به اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توانند نقش مهمی در ساختن آینده‌ای روشن برای کشور ایفا کنند.

د بې تعریفه او ناپېژانده ترهګرۍ پر وړاندې د هغې څرګند حقیقت !!

جبریل سعد

د اسلام او مسلمانانو پر وړاندې د لوېدیځ پر حیله بازۍ، پلمه جویۍ او بلا بترو اصطلاحاتو کارولو باندې پېرې اوړي، خو لا نه پېژندل شوې او پېژندل کېږي او نه هم تعرف شوې او تعریفېږي چې همدې ورته د لا زیاتې ودې او پراختیا لاره هواره کړې ده. له دغو حیله بازیو، پلمه جویۍ او پوچو اصطلاحاتو څخه د بشریت، بشري حقونو، بشري ازادۍ، د بیان ازادي او په ټوله کې د مسلمانانو او انساني ژوند ټولو برخو کې د لاسوهنې او خپلو سیاسي او شخصي ګټو لټولو لپاره بېلابېل او وخت پر وخت اصطلاحات د یادونې وړ دي چې له منځه یې ترهګري بیا د دې اصطلاحاتو پر وړاندې د خنډ او څنډ لپاره کارېږي، خو د عام فکر او ذهنیت له مخې یې مخالفو هڅو، مبارزو او د لاسوهنو او ګټو لپاره ځای موندلو په موخه تیلیو جګړو، ستراتېژیو او خپلمنځي هر ډول اختلافونو ته کاروي، څو پر وړاندې یې پارونې ترسره او شدت پیدا کړي او پکې لوېدیځ خپل لاسوهنو او ګټو ته لاره وباسي.

دغه حیله بازۍ، پلمه جویۍ او اصطلاحات چې د فکري او تبلیغاتي جګړې برخه وي؛ د لوېدیځو هر ډول هڅو په بدرګه را منځته کېږي او ورته کار کېږي چې د پېریو په موده کې لا هم زموږ او نړۍ دومره پام نه و ور اوښتی او نه یې هم د حقیقت په اړه هومره عام ذهنیت او فکر را منځته شوی و لکه د فلسطیني مقاومت اقصی توپان مبارکو عملیاتو له پیل سره او له هغه را وروسته، ځکه نو د دغو حیله بازیو، پلمه جویۍ او اصطلاحاتو په ترس کې فلسطینیان له۷نیمو او شامیان له۵نیمو لسیزو راهیسې پر بشپړې چوپتیا قتل عام کېدل او ځکه لاهم پرته له دې چې له الحاد او سېکولرۍ سره د اسلام او شریعت سرحد وپېژني او پرته له دې چې واقعیت او حقیقت درک کړي او د اسلام او کفر یا مسلمانانو او کافرانو تر منځ تلپاتې ټکر او اوږد تاریخ ته یې فکر وکړي؛ زموږ ځوان کول او نوی نسل له لوېدیځ سره دغه حیله بازۍ، پلمه جویۍ او اصطلاحات بدرګه کوي چې ټولې اسلامي ټولنې او مسلمانانو ته یې

زیان رسېږي او په دوی کې یې بیا تر نورو زیات زیان هغو مسلمانانو او اسلامي تولنو ته وي چې له لسیزو او پېړیو راهیسې له مظلومیتونو او ناخوالو کړېږي او په ګران افغانستان کې له ډېرې مودې وروسته اسلامي نظام او کراری راتلو سره طبیعي ډول دوی هم له دغو مظلومیتونو او کړاوونو څخه د وتو په ارمان هڅې پیل کړې وي او پیلوي یې.

خو ځوانکی کول، نوی نسل او زموږ تولې طبقې د خپل شان مطابق جلا جلا باید وپوهېږو چې دا نه یوازې له مسلمانانو، مظلومو ولسونو او لړکیو او بشپړ بشریت او انسانیت سره ظلم او اور ته یې لمن وهل دي، بلکې خپلې پښې پر خپل تبر وهل هم دي چې د تاریخ تجربو او ازماینو ته پر پام یو وخت او ښایي ډېر زر دوی پر خپل همت او مبارزو ترې پر وتو دي او خدای مه کړه په نحوست کې یې د لوېدیځ او دښمن د همدې حیله بازیو، پلمه جویی او اصطلاحاتو ښکار کېدو سره پر موږ هم همدا کړاوونه راشي چې زور زغمل او بار پورته کول به یې بیا خورا ستونزمن او ناشونی وي. نو د لوېدیځ حیله بازی، پلمه جویی او اصطلاحات پېژندل، اړوند واقعیتونه او حقیقتونه درك كول او ورسره سم برخورد او چلند تر بسې مهم دی او له دې پرته په داسې حال کې چې مثلاً د فلسطین، غزې او شام شریف د خلکو مظلومیتونه او کړاوونه ښه راته معلوم وي، هڅې او قربانی یې د سر پر سترګو وینو، ښکاره لومړنی پایلې یې هم د ځان، اسلام او مسلمانانو په ګټه دي او داسې ډېر نور؛ بیا هم یې په اړه باید لوېدیځ اصطلاحات او پلمې بدرګه نه کړو. د لوېدیځ دغه حیله بازی، پلمه جویی او اصطلاحات خو مو ولیدل او وینو یې چې له مخې د لبنان حزب، ایران او د سوریې حکومت ترهګر و او لامل یې تولو ته معلوم دی په ځانګړې دا چې څو لسیزې یې د شام وګړي داسې کړولي او د داسې ظلمونو ډولونه یې ورته وړاندې کړي و چې بشریت ویلي کوي، خو چې د همدې ترهګر پر وړاندې د شام پاڅونوالو له همدغې داعیې سره عملیات ګړندي شول، بیا لوېدیځ د دغې اصطلاح، حیلې او پلمې له مخې همدغه پاڅونوال ترهګر یاد کړل.

دغو پاڅونوالو ته د ترهګری اصطلاح کارول لوېدیځ په داسې مهارت پیل کړل چې د شام شریف د مجاهدینو یوې تر تولو پېژندل شوې، ځواکمنې او د القاعدې له تور څخه هم تکې سپینې ډلې ته یې چې د پاڅونوالو دغه عملیات یې رهبري کړل؛ په فکري او تبلیغاتي ډګر د رسنیو له لارې یوه نوې او ناپېژانده بڼه ور کړه، څو پېژندل شوی هویت یې پیکه او تر غبار لاندې کړي، په اړه یې شکوك او شبهات را ولاړ کړي، د شام ولس او ملاتړي یې په اړه بدګمانه کړي او بالآخر یې پر وړاندې یو داسې موقف را منځته کړي چې د لوېدیځ لاسوهنو او ګټو ته یکې لاره پرانیستې وي او ترې وړپېښې تشویش پرې را کم کړي. تحریر الشام ډلې ته دغه بڼه ورکول یې هم بیا جلا په داسې مهارت و چې د دغې ډلې د مشر ابو محمد الجولاني اصلي نوم(احمد الشرع)په لومړي ځل رسنیز کولو سره هغه پرلپسې پر همدې نوم یادوي، څو دا ذهنیت او فکر عام کړي چې ګني هویت یې ناڅرګند او دا یې د هویت رمز دی او... د شام د ازادی ګړندیو عملیاتو او د دمشق د فتحې په دغه تنګ وخت کې د لوېدیځ او نورو لخوا د هیئة تحریر الشام ډلې ته د ترهګری نوم او رنګ ور کول لومړی د اسرائیلو پر ملاتړ د دغې ډلې تورنولو څخه را پیل شو. وروسته د جولاني یو انځور رسنیو ته را ووت چې۱۳ کاله وړاندې په عراق کې د القاعده ډلې د هغه وخت له بیرغ سره ښکاري او پر استناد یې نوموړی داعش ډلې ته منسوب شو او بیا د سې این این ورورستی مرکه چې پکې خبریاله له جولاني څخه هماغه د۱۳ کاله وړاندې عراق کې د القاعده ډلې غړیتوب مهال په اړه پوښتي.

د دمشق له فتحې سره هممهاله د سې این این دغه

پوښتنې سراسر بې ځایه او یوازې د جولاني او د هغه د ډلې په ترهګرۍ را پېژندلو هڅې وې او له همدې امله یې له نورې مرکې پرته همدا برخه پراخه رسنیزه او انعکاس ور کړل شو. همداسې د دمشق په اموي جامع کې د جولاني له وینا وروسته العربیة هم له دغې وینا ځیني داسې اخیستنې کړې دي چې پکې د شام شریف تازه انقلاب یې د ایران او مصر له انقلابونو سره پرتله کړی، پرې تبصره یې کړې او د دغه انقلاب، جولاني او د شام د راتلونکي په اړه یې د شکونو او اندېښنو را پارولو هڅه کړې ده. له لومړي سره خو جولاني، د القاعده ډلې غړیتوب یې، په شام کې د القاعده څانګې(جبهة النصرة)مشري، له القاعدې بېلتون او دغه څانګه یې په هیئة تحریر الشام نومولو، د داعش پر وړاندې مبارزه او د سلګونو برجسته غړو بې ساري قرباني، د واکمن مستبد نظام پر وړاندې جهاد او مبارزه او بالآخر ردع العدوان وروستي برخلیك ټاکونکي عملیات یې چې که څه هم ناڅاپي پیل او وروستی هدف یې پټ وساتل شو؛ هر چا ته معلوم و او معلوم دي، خو د لوېدیځ او د هغه د مزدورو رسنیو او فکري او تبلیغاتي ماشین لخوا پکې دغه چون او چرا یوازې د دې لپاره رامنځته کېږي چې له نویو شرائطو او د ردع العدوان سپېڅلیو عملیاتو له ناڅاپي په ناوړې استفادې سره یې راتلونکې موخې او د دغو عملیاتو وروستی هدف وپېژني، هماغه پېژندل شوې هیئة تحریر الشام ډله او مشر یې په نوې بڼه او د پخوا په پرتله یې خطر ډېر زیات وښیي، د ترهګرۍ پر اصطلاح او پلمه یې پر وړاندې پارونې رامنځته کړي او د دې لپاره ښایي امنیتي وضعیت هم ګډوډ او هغه پکې ښکېل او تورن کړي.

ابو محمد جولاني چې خپل نوم یې احمد شرع او د شام شریف په پلازمېنه دمشق کې زېږېدلی؛ او هیئة تحریر الشام ډله یې د القاعدې اړوند جبهةالنصرة په شکل له پیله لا د شام د پاڅون د یوې برخې په توګه فعاله شوې وه، په شام کې یې د داعش پر وړاندې د پام وړ قربانیو په ورکولو پرېکنده مبارزه کړې او په له منځه وړلو کې یې فعال رول درلودلی دی، یوازې د ردع العدوان دغه برخلیك ټاکونکو عملیاتو ناڅاپي یې په هغه معنا نه ده چې لوېدیځ او د هغه مزدورې رسنۍ او تبلیغاتي ماشین یې فکر او ذهنیت تولیدوي. ردع العدوان، هیئة تحریر الشام او جولاني که نور هیڅ هم ونه کړي، د نږدې نیمې پېړۍ سلګونه زره مظلوم بندي مسلمانان خو یې له انساني قصابۍ څخه روغ وایستل، له یو مستبد او تر ټولو ظالم واکمن له ظلم او پکې د ګنو هېوادونو د واکمنانو ملاتړ خو یې نړۍ ته رسوا کړ او نیمه پېړۍ له هر پلوه پر وژنو، اسارتونو، هجرتونو او ورکو نادرکیو سره ځپل شوی پاڅون خو یې بریا ته ورساوه او د غزې، فلسطین، مصر، سوډان او... ته خو یې ځواکمنه روحیه او مورال ور کړ. ځیني چې ردع العدوان عملیات د غزې وضعیت ته پر پام بې وخته او ناسم بولي؛ هغوی به اوس درك کړې وي چې ځینو اقصی توپان هم بې وخته باله، خو... بلکې لا ردع العدوان په داسې حکمت رهبري شول چې له دا ډول برخلیك ټاکنې سربېره یې د واکمن مستبد رژیم د ملاتړو تقریباً پوزه هم پکې وینې نه شوه، د بیت المقدس او اقصی پر وړاندې ګډ موقف ته هیڅ زیان ونه رسېد او لا امید دی د ټولو مسلمانانو پر همدغه موقف را ټولېدو او له نور هرڅه وړاندې د اقصی مسئلې صفا کولو لامل هم شي. د لوېدیځې اصطلاح او پلمې له مخې بې تعریفه او ناپېژانده ترهګرۍ پر وړاندې د هغې څرګند حقیقت بس همدا د لوېدیځ عملي ترهګري ده چې تور یې پر مسلمانو پاڅونونو او مجاهدینو پورې کوي.

سرچینه: د اسلامی امارت، پشتو سایت



رحمت الله فیضان

یك گام دیگر در عرصه دیپلماسی

پارلمان روسیه به نفع حذف امارت اسلامی افغانستان از فهرست گروه‌های تروریستی رأی داده است.

بی‌بی‌سی گزارش داده که این اقدام پیش‌بینی می‌شد، زیرا مسکو می‌خواهد روابط خوبی با افغانستان برقرار کند. وزیر امور خارجه روسیه از اقدامات امارت اسلامی در زمینه مبارزه با مواد مخدر ستایش کرده و به کشورهای دیگر نیز پیشنهاد داده است که تحریم‌ها علیه امارت اسلامی را پایان دهند و در تلاش‌های بازسازی افغانستان همکاری کنند.

تلاش‌های وزارت امور خارجه افغانستان در این پیشرفت قابل ستایش است. این وزارت تلاش کرده روابط با روسیه را بهبود بخشد و مسکو را ترغیب کند تا با افغانستان تعامل مثبت آغاز کند. حذف نام امارت اسلامی از فهرست گروه‌های تروریستی یک دستاورد مهم دیپلماتیک برای امارت اسلامی به شمار می‌رود.

این تصمیم برای افغانستان یک پیشرفت مهم محسوب می‌شود که موضع سیاسی بین‌المللی امارت اسلامی را تقویت می‌کند. با این اقدام، روابط افغانستان و روسیه بهبود خواهد یافت و می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی نتایج مثبتی به همراه داشته باشد. ستایش وزیر امور خارجه روسیه از تلاش‌های امارت اسلامی در مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد که امارت در این زمینه پیشرفت‌های مهمي صورت گرفته است.

همچنین درخواست روسیه از دیگر کشورها برای رفع تحریم‌ها علیه امارت اسلامی یک فرصت برای امارت اسلامی است تا اعتماد بین‌المللی را جلب کند. این گام به‌عنوان یک حرکت مثبت در جهت افزایش حمایت‌های بین‌المللی از افغانستان و کاهش تحریم‌ها تلقی می‌شود که در نهایت می‌تواند روند بازسازی کشور را تسریع کند.

بخش اول

نقد اتهام ناحجت‌انگاری خبر واحد صحیح در حوزهٔ عقیده بر ابومنصور ماتریدی رحمه‌الله

دکتر فضل الرحمن فقیهی

تعصب و لجاجت، گاهی انسان‌ها را وادار می‌سازد، تا فایده و خسارهٔ سخنانش را نسنجد و بیهوده‌گویی نماید. یکی از کاربران صفحات مجازی در مطلبی تحت عنوان «روایت برهنه گشتن موسی علیه‌السلام» به زعم خود خواسته یکی از احادیث صحیح البخاری را به چالش کشد و بر آن طعن وارد نماید. از سوی دیگر در نوشته‌اش ادعا کرده که گویا ابومنصور ماتریدی رحمه‌الله، خبر واحد صحیح در حوزهٔ عقیده را حجت نمی‌دانسته و قابل استدلال نمی‌شمرده اس.

وی محتوای حدیث شماره (٣٤٠٤) (ج٤، ص١٥٦) صحیح البخاری را که مشتمل بر داستان تهمت بنی اسرائیل بر سیدنا موسی علیه‌السلام و غسل کردن آنحضرت و گریختن سنگ، و سرانجام رفع اتهام از وی را شامل است، نخست نقل کرده و سپس برای آنکه آن حدیث را مردود و نادرست معرفی بدارد، پای امام ابومنصور ماتریدی رحمه‌الله را به میدان کشیده و ضمن نسبت دادن رد این حدیث، به امام ماتریدی چند ادعای نابجا و دروغین را بدین گونه ارائه می‌دارد:

نخست- ادعا می‌کند که: «معمولا اهل حدیث، این روایت را در تفسیر آیت ذیل نقل می‌کنند که پروردگار متعال فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» [الأحزاب: ٦٩].

دوم- ادعا کرده که: «امام ابومنصور ماتریدی... در تأویلات اهل السنة در تفسیر آیهٔ مبارکه فوق الذکر... می‌نویسد: لیکن این تأویل آیت بعید است؛ زیرا موسی آن‌ها را به مستور نگهداشتن عورت فرا می‌خواند و محتمل بوده نمی‌تواند که... او شرمگاه خود را برایشان مکشوف ساخته باشد... یا اینکه سنگ لباس‌هایش را گرفته برود، تا اینکه مردم او را مجرد و عریان ببینند»(تأویلات اهل السنة: ج٨، ص٤١٨- ٤١٩). یعنی که گویا امام ماتریدی، حدیث امام بخاری را بر اساس عقل شخصی خود رد کرده و مدعی خواسته این عمل وی را به همه احادیث صحیح، تسری دهد.

سوم- ادعا کرده که گویا «امام ابومنصور ماتریدی با پیروی از اصول حنفی‌ها در باب احادیث آحادی که در تناقض با عقل قرار می‌گیرند- و این اصول در همه کتاب‌های اصول الفقه احناف، چون کتاب‌های جصاص، دبوسی، سرخسی، نسفی، علاء الدین سمرقندی و دیگران آمده‌اند» احادیث خبر واحد را نمی‌پذیرفته؛ یعنی که با پیروی از افراد مذکور، خبر واحد از صحیح البخاری را نپذیرفته است.

چهارم ادعا می‌کند که گویا ابومنصور ماتریدی و همه علمای حنفی، برای پذیرش حدیث یا خبر واحد، شرایطی دارند از جمله آن شرایط «این است که در باب عمل باشد، اما در مسائل اعتقادی، حدیث واحد حجت پنداشته نمی‌شود».

نگاهی به تفاسیر معتبر قرآن کریم، ملاحظهٔ آثار و متون معتبر حدیث نبوی، و مطالعهٔ آثار ابومنصور ماتریدی رحمه‌الله در حوزهٔ عقیده، همه می‌رسانند و ثابت می‌سازند که این چهار ادعای نویسندهٔ مذکور، همه عاری از واقعیت‌اند؛ یعنی که این ادعاهایش، جز خیال‌پردازی‌های متعصبانه چیزی نیست و حقیقت چیزی دیگری است. اینک سه ادعای مذکور را در ترازوی نقد بر می‌سنجیم:

سنجش و نقد ادعای اول (روایت حدیث بخاری تنها توسط اهل حدیث)

مدعی مذکور در مورد حدیث صحیح البخاری در باب سرگذشت موسی علیه‌السلام نوشته است که «معمولا اهل حدیث، این روایت را در تفسیر آیت ذیل نقل می‌کنند».

این ادعا با توجه به تفاسیر معتبر قرآن کریم نادرست است. چه این حدیث را تنها اهل حدیث در تفسیر آیهٔ مذکور نقل نکردند؛ بلکه قریب به کل مفسران اهل سنت، این حدیث را در تفسیر همان آیه آورده‌اند؛ از جمله:

ابوجعفر محمد بن جریر الطبیر در [تفسیر الطبري = جامع البیان: ج۲۰، ص۳۳٤] که از جملهٔ بزرگان اهل سنت در روایت و درایت است؛ عبد الرحمن بن محمد معروف به ابوحاتم رازی در [تفسیر ابن أبي حاتم: ج۱۰، ص۳۱۵۷]؛ احمد بن محمد بن إبراهیم الثعلبی در تفسیرش: [الکشف والبیان عن تفسیر القرآن ۸/ ٦٦]؛ ابومحمد مکی بن ابی طالب حمّوش بن محمد اندلسی قرطبی مالکی در [الهدایة الی بلوغ النهایة ۹/ ۵۸۷۵]؛ امام بغوی در تفسیرش [معالم التنزیل: ۳/ ٦٦۷]؛ جار الله زمخشری در [تفسیر الزمخشري = الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ۳/ ۵٦۳]- وی که نه تنها اهل حدیث نیست، بلکه خود معتزلی است که عقلگرایی محض مذهب اوست؛ قاضی عبد الله بن عمر بن محمد بیضاوی در [تفسیر البیضاوي = أنوار التنزیل وأسرار التأویل ٤/ ۲۳۹]؛ علی بن محمد خازن در [تفسیر الخازن = لباب التأویل في معاني التنزیل ۳/ ٤۳۸]؛ ابو الفداء علامه اسماعیل بن کثیر حنبلی در [تفسیر ابن کثیر: ٦/ ٤۸۵]؛ امام جلال الدین سیوطی شافعی در [تفسیر الجلالین ص: ۵٦۱] و همچنان در تفسیرش [الدر المنثور في التفسیر بالمأثور: ٦/ ٦٦۵]؛ اسماعیل حقی استانبولی خلوتی حنفی در تفسیر [روح البیان» ۱/ ۱٤۷]- وی نه تنها که اهل حدیث نیست، بلکه صوفیی از صوفیان خلوتی و از بزرگان حنفی است؛ و محمد متولي الشعراوي که نه تنها اهل حدیث نیست بلکه از علمای صوفی مشرب است در [تفسیر الشعراوي ۱۵/ ۹۵۲۱].

برعلاوهٔ افراد مذکور، شمار دیگری از مفسران نیز این حدیث را در ذیل آیهٔ مذکور، یادآوری کرده و تأیید نمودند که به خاطر پرهیز از اطالهٔ کلام از ذکر شان خودداری می‌شود. وجود این روایت صحیح در این آثار تفسیری به این پیمانهٔ زیاد، این ادعا را که فقط اهل حدیث این روایت را در ذیل آیهٔ مذکور ذکر کرده‌اند، بی‌اساس می‌سازد و چنین ادعایی نادرست و دروغ محض است و از دشمنی مدعی با اهل حدیث سرچشمه گرفته است. چه شماری از این مفسران که یاد شدند، نه تنها اهل حدیث نیستند بلکه بعضی صوفی و حتی برخی معتزلی هستند.

سنجش و نقد ادعای دوم (انکار از محتوای حدیث امام بخاری)

ابرازنظری را که مدعی از امام ابومنصور ماتریدی برای رد حدیث امام بخاری، نقل کرده که گویا امام ماتریدی گفته، چون «موسی علیه‌السلام آنها را به مستور نگهداشتن عورت فرا می‌خواند و محتمل بوده نمی‌تواند که... او شرمگاه خود را برایشان مکشوف

ساخته باشد... یا اینکه سنگ لباس‌هایش را گرفته برود، تا اینکه مردم او را مجرد و عریان ببینند» نادرست می‌نماید و مورد نقد قرار می‌گیرد؛ به چند وجه:

۱. موارد اینچنینی در آیات کلام الله نیز وجود دارد، مگر می‌توان آنها را رد کرد؟ به گونهٔ مثال: هم موسی علیه‌السلام، و هم همه پیامبران الهی، از قتل شخص بی‌گناه منع می‌کردند. اما هنگامی که خضر علیه‌السلام، شخص بی‌گناهی را می‌کشد و موسی علیه‌السلام بر او انتقاد می‌کند، او چون بر اساس وحی الهی این کار را کرده بود، خود را معذور دانست و موسی علیه‌السلام هم سرانجام عمل او را پذیرفت. بدین اساس، برهنه شدن عورت از سوی موسی علیه‌السلام و هر کسی دیگر نیز، وقتی بر اساس حکمتی باشد که الله آن را خواسته است، امری ناچیزتر از قتل شخصی بدون گناه است. لذا موسی علیه‌السلام، آنچه را از تعقیب سنگ و کشف عورت، آنهم بدون اختیار، انجام داده، نه گناهی بوده و نه زشتی داشته است. بنابراین دیدگاه عقلانی امام ماتریدی- هرچند محترم باشد- اما نادرست است.

۲. حدیث مذکور را تنها امام بخاری در صحیح خویش روایت نکرده است تا مدعی مذکور و یا اصولیون از هر مذهبی که باشند، بر آن خط بی‌اعتباری بکشند؛ بلکه این حدیث را سایر محدثان نیز روایت نموده‌اند که در صحت آن شکی باقی نمی‌ماند. ملاحظه می‌شود که برعلاوهٔ امام بخاری این حدیث را محدثان دیگری نیز روایت کرده و صحیح شمرده‌اند:

امام مسلم در [صحیح مسلم: ١/ ٢٦٧]؛ امام ترمذی در [سنن الترمذي: ٥/ ٣٥٩]؛ امام احمد در [مسند أحمد: ١٣/ ٥٠٧]؛ ابوعوانه در [مستخرج أبي عوانة: ١/ ٢٣٦]؛ امام طحاوی حنفی در [شرح مشكل الآثار: ١/ ٦٧]؛ امام ابن حبان [صحيح ابن حبان: ١٤/ ٩٤]؛ امام بیهقی در [السنن الكبرى: ١/ ٣٠٦]؛ امام اسحاق بن راهویه در [مسند خویش: ١/ ١٧١]؛ امام نسائی در [السنن الكبرى: ١٠/ ٢٢٧]؛ حاکم نیشاپوری در [المستدرك على الصحيحين: ٢/ ٤٥٧] و شماری دیگر از محدثان، این حدیث را روایت نموده و همه بر صحت آن اذعان کردند.

بنابراین در صحت این حدیث، شکی باقی نمی‌ماند و هرکسی اعم از امام ماتریدی و دیگران که این حدیث را بر مبنای عقل خود، نادرست بداند، دیدگاهش از اعتبار ساقط است و خود دچار خبط و اشتباه شده و به خطا رفته است. بنابراین، دیدگاه ماتریدی رحمه‌الله خطای اجتهادی بوده که قابل پذیرش نیست و نیز با اصول و مبانی خود او که در حوزهٔ عقیده دارد، برابر نیست.

سنجش و نقد ادعای سوم (پیروی امام ماتریدی از: جصاص، سرخسی، نسفی و سمرقندی)

مدعی مذکور ادعا کرده که گویا: «امام ابومنصور ماتریدی با پیروی از اصول حنفی‌ها... چون کتاب‌های جصاص، دبوسی، سرخسی، نسفی، علاء الدین سمرقندی و دیگران...» به رد حدیث امام بخاری پرداخته و خبر واحد را نپذیرفته است.

این ادعا عقلاً و منطقًا بعید می‌نماید و قابل پذیرش نیست. چه گونه می‌تواند امام ابومنصور ماتریدی، از اصول فقهایی مثل جصاص، سرخسی، نسفی و علاء الدین سمرقندی پیروی نماید؟ در حالی که خود قبل از ایشان وفات یافته است و بعضی از ایشان در قرن‌های بعد از ماتریدی رحمه‌الله زندگی داشته‌اند؟

آخر مدعی فراموش کرده که ابومنصور ماتریدی در سال ٣٣٣ هجری از دنیا رحلت کرده است؛ اما امام جصاص رحمه‌الله در سال٣٧٠ هجری، امام سرخسی در سال ٤٨٣ هجری، علاء الدین سمرقندی در سال ٥٤٠ هجری، و نسفی در سال ٧١٠ هجری وفات یافته است. حال وقتی ابومنصور ماتریدی رحمه‌الله قبل از همه این فقهاء، وفات یافته و حتی چند قرن از ایشان پیش فوت کرده، آیا ممکن است از اصول ایشان پیروی کرده باشد!؟ پاسخ طبعًا منفی است و این کار از امکان به دور است و ادعای عاری از حقیقت است.

ادامه دارد...



اهمیت و نقش ارزش‌ها و مکارم اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی

محمدصابر صادقی

مکارم از کلمه مکرمه گرفته شده که به معنی زمین پاکیزه، شاداب و حاصل‌خیز در زبان عربی، استفاده می‌گردد که باعث رویش نبات خوب می‌شود. به همین ترتیب، ارزش نیز از کلمه ارز گرفته شده که معنی بها و قیمت را می‌رساند. مکرمه یا مکارم در اخلاق، همان سرشت و طینت پاک انسان است که اعمال نیک و صالح و پسندیده از آن صادر می‌گردد.

مکارم اخلاق از کجا می‌آید؟ مکارم اخلاق از کرامت می‌آید، جایی که خداوند متعال می‌گوید: هر آئینه بزرگی دادیم فرزندان آدم را.

بلی، کرامت و مکارم هر دو از یک جا می‌آیند و به این خاطر، ارزش‌های اخلاقی و مکارم اخلاقی، بیان‌گر بزرگی انسان است، در صورتی که رعایت گردد و نشانه‌ای از ضعف است در صورتی که عملی نگردد.

به باور برخی‌ها، فضیلت و برتری که خداوند متعال برای انسان داده است، به جهت همین مکارم اخلاقی می‌باشد که در انسان وجود دارد و در زندگی عملی می‌گردد.

در کل، مکارم اخلاقی در دو نوع رفتار خودش را نشان می‌دهد که رفتار فردی و رفتار اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

در نـوع فـردی، آن بخـش شـامل می‌گـردد کـه باطـن انسـان بـا آن مزیـن شـده اسـت. انسـان مومـن مکلـف اسـت کـه خـود را باطنـاً بـه فضایـل اخلاقـی و یـا مـکارم اخلاقـی انفـرادی مزیـن سـازد و در عمل نشـان دهـد. چـون فـرد اسـت کـه جامعـه را می‌سـازد، پـس فضایـل اخلاقـی فـردی هـم جمـع شـده، رفتـار اجتماعـی را شـکل می‌دهـد.

بـه هـر انـدازه کـه انسـان مسـلمان بـه مـکارم اخلاقـی فـردی مزیـن باشـد، بـه همـان انـدازه جامعـه نیـز مزیـن می‌گـردد. مـکارم اخلاقـی فـردی، اموری‌انـد کـه مسـتقیما بـا ایمان و عقیـده انسـان رابطـه مسـتقیم دارنـد، یعنـی بـه هـر انـدازه کـه یـک انسـان مسـلمان بیـشتر بـه آن مزیـن باشـد، فـرد باتقواتـری اسـت.

مـکارم اخلاقـی چـون صـدق، امانـت، صبر، تواضع، حیـا و شـجاعت از جملـه مهم‌تریـن مـکارم و ارزش‌هـای اخلاقـی فـردی بـه حسـاب می‌آینـد کـه هـر انسـان مسـلمان، هـر لحظـه و در تمـام امـور زندگـی بـا آن‌هـا سروکار دارد.

صـدق، صداقـت و تصدیـق کـردن یکـی از جملـه مهمتریـن بخش‌هـای ارزش‌هـای اسلامـی اسـت کـه نقـش‌اش در سـاخت جامعـه، ماننـد پایه‌هـای بنیـادی یـک سـاختمان اسـت کـه آن را از سـقوط و ویرانـی حفـظ می‌نمایـد. انسـان مسـلمان می‌بایسـت در همـه افعـال و اعمالـش، صداقـت را پیشـه کنـد تـا بـه عنـوان یـک فـرد مـورد اعـتماد در جامعـه، تلقـی گـردد.

نمونـه‌ی خوبـی از صداقـت، پیـامبران الهی‌انـد کـه شـهرت پیـامبر اکـرم صلـی اللـه علیـه و سـلم بـه صـدق و راسـتی، زبـان‌زد تاریـخ در قبـل و بعـد از آمـدن وحـی می‌باشـد. همچنـان از صحابـی بزرگـوار رضـی اللـه عنهـم اجمعیـن، سـیدنا حضرت ابوبکـر صدیـق رضـی اللـه عنـه کـه بـه صدیـق الامـه ملقب‌انـد، می‌تـوان یـاد کـرد.

امانـت، از دیگـر ارزش‌هـای مهـم در اسلام عزیـز اسـت کـه پیروانـش را بـه حفاظـت از آن فراخوانـده اسـت. ایمان و امانـت، از یـک ریشـه لغـوی و یـک اصـل کـه امـن اسـت، گرفتـه شـده‌اند. بـه ایـن معنـی کـه وقتـی یـک فـرد امانتـی را نـزد مـا می‌گـذارد، بـه امـن بـودن و حفـظ آن اطمینـان دارد.

امانـت دو بعـد دارد کـه بعـد مـادی و بعـد معنـوی می‌باشـند. فـرد مسـلمان مکلـف اسـت کـه هـر دو را رعایـت کنـد. وقتـی برایـش یـک شـی یـا پـول فزیکـی داده می‌شـود کـه حفـظ کنـد، بایـد در حفـظ آن کوشـا باشـد و همچنـان زمانـی کـه برایـش کـدام راز را می‌گوینـد، بایـد رازدار باشـد و حفـظ نمایـد.

صبر از دیگـر ارزش‌هـای اخلاقـی اسـت کـه معنـی آن حبـس نمـودن، منـع کـردن و بنـد سـاختن می‌باشـد و انسـان مسـلمان تلاش می‌کنـد تـا در زندگـی‌اش آن را عملـی نمایـد. صبر در برابـر مصیبـت، صبر در طاعـات و عبـادات و صبر از مصیبـت عبـارت از اقسـام صبر هسـتند کـه در آموزه‌هـای دیـن مبیـن اسلام بـه آن‌هـا اشـاره شـده اسـت.

تواضـع از کلمـه وضـع گرفتـه شـده و بـه معنـی فروگـذاشتن یـک چیـز اسـت. در اصـطلاح نظـام اخلاقـی، عبـارت از فروگـذاشتن نفـس انسـان از خواهشـات، هـوس و مـواردی از ایـن قبیـل تعریـف شـده اسـت. خداونـد متعـال از بندگانـش کـه متواضع باشـند، بـه عبـارت بنـدگان رحمان یـاد کـرده اسـت و گفتـه: و بنـدگان رحمان آنان‌انـد کـه می‌رونـد بـر زمیـن بـا تواضـع و فروتنـی. (سـوره الفرقـان آیـه ٦٣)

ارزش اخلاقـی حیـا و عفـت را کـه بـه معنـی پرهیـز و خـودداری نمـودن از بیـم ملامتـی و سرزنـش افـاده شـده را یکـی از مفاهیـم مهـم و ارکان اساسـی نظـام اخلاقـی اسلام شـمرده‌اند. حیـا از اللـه متعـال کـه همیشـه ناظـر اسـت، حیـا از مـردم و حیـا از خـود، اقسـام مهـم حیـا عنـوان شـده و می‌طلبـد کـه یـک فـرد مسـلمان، ایـن مـوارد را در نظـر بگیـرد.

شـجاعت از دیگـر مـکارم اخلاقـی فـردی بـه شمار

می‌رود که از اثر اعتدال میان انگیزها و تمایلات قوه غضب به میان می‌آید. قوه غضب که بخاطر دفع ضررها در نهاد انسان گذاشته شده اگر با اراشادات دینی به صورت درست پرورش یابد، ارزش اخلاقی شجاعت از آن به وجود می‌آید.

مکارم اخلاقی اجتماعی به آن مکارم گفته می‌شود که خداوند متعال در قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در احادیث متعدد، به آن‌ها اشاره کرده‌اند. این مکارم، رفتار اجتماعی افراد یک جامعه را با یکدیگر تنظیم می‌نماید. شفقت، تعاون، ایثار، اصلاح‌طلبی، عفو، تسامح و مواردی از این قبیل، در جمله‌ی مکارم اخلاقی اجتماعی به شمار می‌روند. یعنی با درنظرداشت این روش‌ها، می‌توان روابط مثبت و سازنده در اجتماع داشت و زندگی اجتماعی را به سوی تعالی و پیشرفت کشاند.

شفقت در این جا به معنی مهربانی، رحمت، نرمی، دلسوزی و مواردی از این قبیل می‌تواند معنی شود که نسبت به والدین، نیازمندان و یتیم‌ها باید آن را در نظر داشت و با این اقشار به شفقت و مهربانی رفتار نمود.

تعاون، همکاری، همیاری و یاری‌رسانی از دیگر ارزش‌های اخلاقی اجتماعی در اسلام عزیز است که افراد جامعه را کمک می‌کند تا با همدیگر در امور زندگی همکاری نمایند که به این صورت، مشکلات از جامعه کم شده، نیازهای همه برآورده خواهد شد. تعاون و همکاری در معصیت و گناه اما در اسلام ممنوع است و کسی نباید چنین اقدامی را بنماید.

ایثار، از خودگذری، بخشندگی و مواردی از این قبیل نیز جایگاه مهمی از مکارم اخلاقی اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند که این‌ها نیز بر مدیریت بهتر روندهای که به ختم مشکل و رفع نیازمندی کمک می‌کنند، موثر هستند.

اصلاح‌طلبی که از طریق امر به معروف و نهی از منکر به شیوه‌ی نبوی صلی الله علیه و سلم تحقق می‌یابد، راهی است که فرد در آن، خیرخواهی را به خود و دیگران دارد. خیرخواهی برای مسلمان یک اصل است که باید آن را در زندگی‌اش، در نظر داشته باشد.

عفو و تسامح، دیگر بخش‌های مهم از مکارم اخلاقی اجتماعی در نظام مقدس اسلام عزیز می‌باشد که هدفش، گسترش روابط و حمایت از ارتباطات اجتماعی در میان اعضای جامعه می‌باشد. این عناصر مهم سازنده‌ی زندگی اجتماعی، وقتی تحقق یافت، آرامش جامعه تضمین شده، ارتباطات گسترش یافته و جایی برای مرض‌های چون کینه، دشمنی، کدورت و ناسازگاری با برادران مسلمان و در کل، در جامعه باقی نمی‌ماند.

چون اخلاق اسلامی و مکارم اخلاقی اسلام نقش مهمی در توسعه جامعه و خوشبختی جوامع اسلامی بازی می‌کند، دشمنان دین مبین اسلام نمی‌خواهند که چنین جامعه‌ای رشد نماید. کسانی که بعد از تحقیقات مسلمان می‌شوند، آنان می‌دانند که در این دین مقدس چه مواردی وجود دارد و چقدر انسان با این دین مبارک، خوشبختی را احساس و امنیت را لمس می‌نماید.





امام شش نور
یا سادات سته

محمدصدیق میر
مدیر عمومی حفظ و مراقبت آبدات تاریخی

وقتی می‌گوییم که هرات شهر و خاستگاه اولیای خدا است، شهر پاکان و مومنان است، شهر فرهنگ و هنر ادب است، شهر خواجه عبدالله انصاری قدس الله سره العزیز است، شهر مولانای جامی و خواجه غلتان ولی است، شهر خواجه محمد تاکی است و شهر امام زاده گان است، حقا که چنین است.

در این شهر باستانی و تاریخی شمار زیادی از بزرگان، پیشوایان و ائمه دین مبین اسلام، از همان زمانی که مردم این خطهٔ کهن به دین اسلام مشرف شدند، زندگی نموده و پس از رحلت در همین جا احترامانه دفن گردیده‌اند، که آرام‌گاهشان مورد حرمت و تکریم کافه انام می‌باشد. یکی از آرام‌گاه‌های مشهور این خطهٔ باستانی، همانا آرام‌گاه امام شش نور (رح) که به سادات سته هم معروف است، و در قریه امام شش نور قرار دارد می‌باشد. این قریه از توابع ولسوالی انجیل بوده و در سمت شرق شهر هرات موقعیت دارد. قریه امام شش نور به همین نام سادات بزرگوار که در پهلوی قلعه غور دان و در جانب شمال قریه باشان که در حال حاضر بنام خوشباشان مشهور و معروف است، قرار دارد.

اسامی شش امام بزرگوار که بنام های ١- امامزاده علی، ٢- امامزاده محمد اکبر، ٣- امامزاده حسن، ٤- ابواسماعیل قاسم، و همچنان دو فرزندنش بنام‌های ٥- امامزاده اصغر، ٦- و امامزاده جعفر، یاد می‌شوند، فرزندان امام ابوالحسن زید شهید بن امام زین العابدین بن امام حسین شهید بن حضرت علی (رض) می‌باشند.

قریه امام شش نور در کنار قلعه غوران در سمت شمال قریه خوشباشان موقعیت دارد، بنایی که آرام‌گاه سادات بزرگوار در آن قرار گرفته است، در وسط باغ بزرگی می‌باشد. این باغ بزرگ بر اساس اسناد آمریت حفظ و ترمیم آبدات تاریخی در گسترهٔ پانزده جریب زمین خلاصه می‌شود. این عمارت نفیس و عالی که در بهترین شکل ممکن دیزاین و اعمار شده، یکی از بناهای باشکوه و مجلل زمان اخلاف تیمور محسوب می‌شود. این بنای عزیز و نفیس دارای دو طبقه بوده و ایوان بزرگ و شکوه‌مند در سمت شمال خویش دارد. هکذا ایوان بزرگ دیگری در جانب جنوبی آن که مدخل اصلی می‌باشد بنا یافته است. دو ایوان دیگر در دو جناح شرق و غرب خویش می‌داشته باشد. عمارت تاریخی و با ارزش امام شش نور از داخل به گونه مربع اعمار شده و از بیرون آن حالت یا شکل مثمن (و مثمن به معنی چهار ضلعی با ابعاد برابر) را دارا بوده و به شکل مکعبی قائم می‌باشد. در بخش‌های راست و چپ هر

ایوان و رواق اتاق‌ها و ایوانچه‌ها تعبیه گردیده است. این ایوانچه و گنبد به بهترین شکل ممکن و رسم‌بندی‌های نفیس طراحی گردیده که مسحور کننده است. لاکن اطراف خارجی ایوان‌ها و عمارت به کاشی‌های نفیس هفت رنگ مزین شده که بسیاری از قسمت‌های آن از بین رفته است.

در ثبت و سجل‌های قبلی طول و عرض کامل عمارت ۱۵ × ۱۵ متر و ارتفاع آن ۸ متر بوده است.

ضریح سادات سته دارای شکل چوبی بوده که رنگ‌آمیزی و مدهون گردیده است. در داخل همین ضریح، شش آرام‌گاه پهلو به پهلوی هم قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر بر بالای سرشان لوح مرمرین به خط قدیم کتبه شده که جریان آمدن و سکنا شدنشان را در محل خوشباشان در سال ۲٤۰ هـ نشان می‌دهد، نصب گردیده است. قدامت تاریخی آبده بر می‌گردد به سال‌های ۲٤۰/ ۷٤٤/ ۹۱۰ و ۹۱٤ هـ .

سقف گنبد عمارت امام شش نور دارای مقرنس کاری‌های بسیار نفیس بوده و دارای رنگ‌های کریمی و خطوط سبز کم رنگ می‌باشد که تازه رنگ‌آمیزی شده است. اما اصل بنا یا عمارت یادگاری از زمان اخلاف تیمور لنگ را متبلور می‌سازد. کتبۀ هم دارد که در سال ۹۱۰ هـ به اهتمام سید جمال الدین محمود و به قلم حافظ محمد الهروی است. حدود دو دهه قبل عمارت امام شش نور توسط یک تن از بازرگانان هرات به نام سید محمد حسین زاده، مرمت اساسی گردیده بود که از بین رفته است.

بنیاد آغا خان نیز در بین سال های ۱۳۸٤ الی ۱۳۸۸ شـ یک سلسله مرمت کاری‌های ابتدایی به بنا انجام داده است، که از اثر زلزله پانزدهم میزان سال ۱٤۰۲ شـ بخش‌های زیادی از جمله راه پله که به بام آرام‌گاه منتهی می‌شود و ایوانچه سمت چپ مدخل آرام‌گاه سخت صدمه دیده است. همین طور پشت بام نیز در بخش‌های از آن ترک برداشته و بندکشی‌های خشت‌ها ضایع گردیده است.

در سمت چپ مدخل آرام‌گاه راه پله‌ای که ۱۳ پله، باز پاگرد و باز ۱۳ پله دیگر تعبیه شده و آنگاه پشت بام خواهد بود که سخت صدمه دیده از اثر زلزله سال ۱٤۰۲ شـ. در پهلوی همین پاگرد در سمت شرق دو تا اتاق تودر تو وجود که مخصوص نگهبانان آبده می‌باشد.

در بازدید و سروی جدیدی (۲۰ قوس ۱٤۰۳ شـ) که توسط کارمندان آمریت حفظ و ترمیم آبدات تاریخی انجام شده: ضلع جنوبی پشت بام ۱۸ مترو ۲۰ سانتی، ضلع شرقی بام ۱۷ مترو ۲۰ سانتی، ضلع شمالی بام ۱۸ مترو ٦۰ سانتی، و ضلع غربی بام ۱۷ متر کامل اندازه‌گیری شده است.

آرام‌گاه امام شش نور دارای دیوار احاطوی به ارتفاع تقریبی یک و نیم متر بوده، که هم‌راه با کف آن با خشت پخته آبداتی تزئین و کار شده است. قبوری که بعضی از آنها دارای سنگ‌های صندوقی مرمر سفید و بعضاً هم دارای سنگ‌های مرمر سیاه می‌باشد آراسته شده‌اند. شماری از قبور که دارای لوحه‌های مرمرین‌اند و به طرز نفیسی با گل بته‌های اسلیمی حکاکی شده و پیرامون گنبد امامزادگان قرار دارند.

محوطه آرام‌گاه همان سان که گفته آمدیم با خشت آبداتی کار شده، که از سمت شمال دارای ۳۷ مترو ۳۰ سانتی، از سمت جنوب دارای ۳۷ متر، و از سمت شرق دارای ۳۹ مترو ٦۰ سانتی، و از سمت غرب دارای ۳۹ مترو ۲۹ می‌باشد. البته این محوطه خشتی دارای چهار ورودی خشتی است در ابعاد ۲ مترو ٦ سانتی که بدون دروازه چوبی یا فلزی می‌باشد.

خوشبختانه که آرام‌گاه تاریخی و قابل حرمت امام شش نور محافظ داشته و دارای یک‌تن متولی بنام سید عبدالقدیر نیز می‌باشد که به تمام امور آن رسیدگی می‌نماید.

آرام‌گاه نیاز جدی به مرمت و یک تمیزکاری آنی داشته و لازم است تا به یکی از خیرین و نهادهای علاقمند به منظور ترمیم کاری اساسی معرفی شود. یا شخص خیری آستین همت بر زده، اقدام به ترمیم قسمت‌های آسیب‌دیده نماید.

آرامگاه امام شش نور، هم از نگاه دینی و مذهبی قابل احترام و تکریم است و هم از نگاه گردشگری، تاریخی و هنر معماری دارای ارزش فراوان می‌باشد.



ای که ایستاده‌ای دست افتاده گیر!

استاد سیدصادق گیلانی

فصل زمستان، فرصتی برای توجه و همکاری لازم برای نیازمندان!

درهوای سرد زمستان، به لباس و وسایلی که اصلاً نیاز نداریم، شاید آرزوی هزاران طفل معصوم نیازمند و افراد بی‌بضاعت باشد. پس بشتابید و هرآن کمکی که انجام داده می‌توانید در حد توان مسئولیت خود را درقبال اشخاص بی‌بضاعت انجام بدهیم.

بسیاری از هموطنان ما دچار مشکلات اقتصادی هستند و نمی‌توانند مواد سوختشان را در این فصل سرد فراهم کنند.

امروز هرکدام ما و شما به پله‌های کرسی گرم نشسته و درکنار فامیل و اطفال خود چقدر خوشحال هستیم.

آیا از چنین اطفالی که در هوای سرد زمستان نه چیزی برای سوخت دارن، نه چیزی برای خوردن و نوشیدن دارن و غیره... خبر دارین؟

تا حالا شده برای تسلای دل نیازمندان حداقل یکبار بدون اینکه کمک بکنیم از نزدیک وضعیتشان را دیده باشیم؟

با آنها همدردی کرده باشیم!

بلی! نه، به والله مسئول هستیم.

الله متعال پرسان می‌کند زمانیکه می‌گوییم راه بزرگ‌مردان را تعقیب می‌کنیم، چرا راه درست که آنها رفتن نمی‌رویم.

باید ما و شما انعکاس دهنده راه و رسم دست‌گیری و حکایت غم‌انگیز از سرنوشت افتادگان و درماندگان، بخصوص افتادگان و درماندگان این دیار باشیم.

مستمندانی که با فقر و تنگدستی، بیماری، رنج و دردمندی پایان‌ناپذیری دست به گریبان‌اند و نیاز به کمک، همکاری و دلجویی خداجویانی دارند که بار مسئولیت و احساس عطوفت‌بار انسانی و اسلامی‌شان آنها را به کمک و دستگیری از این محرومان تیره روز فرا می‌خواند.

و ندای وجدان بیداد شان چنین زمزمه دارد:

رهی نیک مردان آزاده گیر
چو ایستاده ای دست افتاده گیر

بلی!
این بیداری وجدان در پرتو کلام جان‌بخش الهی رونق پرشکوهی می‌یابد که می‌فرماید: (وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ). [المائده - آیه ۲]

رهِ نیک مردان، راه بندگان صالح است که امر پروردگار یکتا را لبیک گفته مسئولانه و عاشقانه به کمک درماندگان و پا برهنه‌گان تهی‌دست و نیازمندان می‌شتابند.

راه نیک مردان راه روشن سرور و سالار انبیاء است که ما را به خیر اندیشی و کمک‌رسانی رهنمون می‌کند.

آنجا که رسول گرامی ما (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) می‌فرمایند: (خیرُالناس من ینفع الناس). بهترین مردم کسانی هستند که به دیگران نفع برسانند.

و بالآخره راه نیک‌مردان، راه بزرگ‌مردان تاریخ است که در سخت‌ترین شرایط با فقراء، مستمندان و رنج‌دیدگان یار و یاور و همراه بوده‌اند.

به مصداق فرموده سردار انبیاء حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) هر کدام ما مسئول هستیم.

پس بیاییم دست به‌دست همدیگر داده تا در یاری رساندن به محتاجان از هیچ نوع سعی و تلاشی دریغ نورزیم.

باید در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با بار معنویت و عاطفی دست‌گیری و کمک‌رسانی به نیازمندان جامعه را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار بدهیم و دیگران را هم تشویق بکنیم به تعاون و همکاری ایثار و فداکاری که به محروم‌ترین طبقه جامعه (مستمندان، یتیمان و دردمندان) همکاری بکنند و آنها را هیچ‌گاه فراموش نکنند.

اگر آواز می‌خوانی بخوان آواز غمگین یتیمان را که همچون طوطی بی نغمه خاموشند و بر سرهای‌شان چتر محبت سایه افگن نیست؛ به دل‌ها راهشان بسته است ز خاطرها فراموشند.

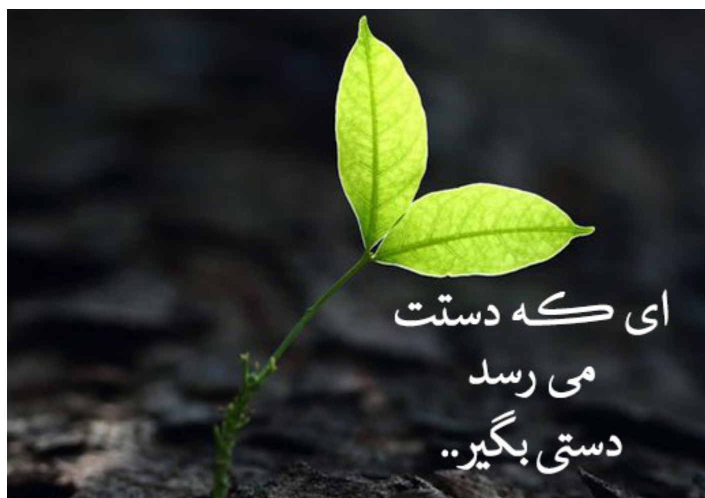
سخن اخیر؛

در این راستا پیام من به عنوان یک جوانی که درد اندک و کوچک عده‌ای نیازمندان را نظر به احوال‌گیری و رساندن کمک‌های خیرین برای مستمندان دانسته برای عزیزانی که سفره پُر دارند و توانایی زیاد، همچنان تجار با وقار و افراد خیّر و مهربان اینست؛ که همکاری کردن با فقرا ومستضعفان در هوای سرد بخصوص روزهای برفی که مسئولیت ایمانی ماست را فراموش نکنید. باید بوسیله کمک‌های نقدی و غیر نقدی با مردم محتاج و مستضعف همکاری لازم صورت بگیرد.

نشود که خدای ناخواسته نیازمندان بدلیل نداشتن مواد سوخت طفل‌های نازنین خود را از دست بدهند.

سرما شده افزون به آلام غریبان
افگنده خنک لرزه به اندام غریبان
رفت است پدر وقت سحر جانب بازار
تا قرض کند پخته و یاخام غریبان
ازدست چکک تا به سحر خواب ندارن
کاگِل نشد امسال درو بام غریبان

امیدواریم که الله متعال برای همهٔ ما توفیقات مزید نصیب بفرماید که تعاون و همکاری را در جامعه سرلوحه زندگی خود قرار بدهیم.
(ومن الله التوفیق).





نقش دوربین‌های مداربسته
در کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی

پوهنیار محمدجواد «فروتن»

در دنیای امروز، امنیت و کاهش جرایم به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های جوامع تبدیل شده است. در این میان، استفاده از تکنولوژی‌ها و ابزارهای مدرن مانند دوربین‌های مداربسته توانسته تأثیر چشمگیری در بهبود امنیت عمومی و کاهش جرایم ایفا کند. دوربین‌های مداربسته به عنوان یک ابزار نظارتی مهم، نه تنها باعث نظارت مستمر بر محیط‌های مختلف می‌شوند، بلکه نقش بازدارنده نیز در برابر جرایم دارند. در این نوشتار، به بررسی نقش دوربین‌های مداربسته در کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

تأثیر دوربین‌های مداربسته در پیشگیری از جرم:

یکی از ویژگی‌های مهم دوربین‌های مداربسته، نقش شان در کاهش جرایم برای مجرمان عمل می‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که حضور دوربین‌ها به طور قابل توجهی احتمال وقوع جرم را کاهش می‌دهد. مجرمان اغلب از دستگیری و پیگرد قانونی می‌ترسند و بنابراین تمایل دارند که از محیط‌هایی که تحت نظارت هستند دوری کنند. این امر باعث می‌شود که مناطق نصب دوربین‌ها نسبت به سایر مناطق از امنیت بیشتری برخوردار باشند.

سرقت یکی از شایع‌ترین جرایمی است که در بسیاری از جوامع رخ می‌دهد. نصب دوربین‌های مداربسته می-تواند تأثیر زیادی در کاهش وقوع این جرم داشته باشد. زمانی که افراد متوجه حضور دوربین‌ها در محل مورد نظر شوند، احتمال اقدام به سرقت از آنجا به طور زیادی کاهش می‌یابد. به همین دلیل، نصب دوربین‌های مداربسته در محیط‌های مانند منازل، دوکان‌ها، مارکیت‌ها، بانک‌ها، مراکز تجاری و سایر مکان‌های مهم بیسار مؤثر است.

در مکان‌های عمومی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها و ساختمان‌های عمومی، تخریب اموال یکی از مشکلات رایج است. نصب دوربین‌های مداربسته به طور ویژه در

این مکان‌ها می‌تواند از تخریب و آسیب زدن به اموال عمومی جلوگیری کند. افراد به دلیل ترس از ضبط تصاویر خود و پیگرد قانونی، کمتر تمایل دارند که به تخریب و خرابکاری دست بزنند.

فناوری‌های جدید در دوربین‌های امنیتی:

با پیشرفت تکنولوژی، دوربین‌های مداربسته نیز به ویژگی‌های پیشرفته‌تری مجهز شده‌اند که عملکرد آن‌ها را بهبود می‌بخشد. این فناوری‌ها به دوربین‌ها این امکان را می‌دهند که تصاویر با کیفیت بالا ثبت کنند و حتی در شرایط خاصی مانند نورکم نیز عملکرد خوبی داشته باشند.

فناوری تشخیص چهره یکی از پیشرفت‌های مهم در دوربین‌های مداربسته است. این فناوری به دوربین‌ها این امکان را می‌دهد که چهره افراد را شناسایی کرده و آن‌ها را با مرکز داده (اطلاعات) موجود تطبیق دهند. این ویژگی به خصوص در شناسایی مجرمان و جلوگیری از ورود افراد غیرمجاز به مکان‌های حساس مؤثر است.

یکی دیگر از فناوری‌های موجود، ذخیره‌سازی ابری می‌باشد که به استفاده کنندگان این امکان را می‌دهد تا تصاویر و ویدیوهای ضبط شده توسط دوربین‌های مداربسته را در فضای ایری ذخیره کنند. این کار باعث می-شود که اطلاعات از دسترس افراد غیرمجاز جارج شود و در عین حال، امکان دسترسی آسان و سریع به اطلاعات برای مالکان فراهم باشد.

کاربرد و راهکارها

دوربین‌های مداربسته کاربردهای مختلفی دارند و می‌توانند در محیطهای مختلفی نصب شوند. دراین بخش، به چند مورد از کاربردهای اصلی دوربین‌های مداربسته اشاره می‌کنیم:

امنیت محلات مسکونی و اماکن تجاری؛ دوربین‌های مداربسته یکی از مؤثرترین راهکارها برای افزایش امنیت محلات مسکونی و اماکن تجاری هستند. نصب دوربین در ورودی و محوطه خانه یا محل کار باعث می‌شود که از وقوع سرقت و سایر جرایم جلوگیری شود. علاوه بر این، نظارت بر رفتار کارمندان و مشتریان نیز از دیگر مزایای نصب دوربین است.

نظارت در پارک‌ها و مکان‌های عام؛ در مکان‌های عمومی و شلوغ مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و معابر عمومی، نصب دوربین‌های مداربسته می‌تواند به پیشگیری از جرایمی مانند سرقت، تخریب و آزار و اذیت کمک کند. به ویژه در شب‌ها و زمانی که نظارت انسانی دشوار است، عملکرد خوبی دارند.

راهکارهای عملی و نگهداری

برای استفاده مؤثر از دوربین‌های مداربسته، نصب صحیح و نگهداری مناسب از آن‌ها ضروری است. به طور منظم باید عملکرد دوربین‌ها بررسی شود، لنزها پاک شود و همچنان، باید اطمینان حاصل کرد که دوربین‌ها به درستی در محل‌های مناسب نصب شده‌اند. یکی از چالش‌های مهم در استفاده از دوربین‌های مداربسته، حفاظت از اطلاعات ضبط شده است که ممکن حاوی اطلاعات حساس باشند و در صورت دسترسی غیرمجاز، می‌توانند مشکلات جدی ایجاد کنند. برای این منظور، استفاده از شیوه‌های رمزگذاری و ذخیره‌سازی امن مانند سیستم‌های ابری بسیار اهمیت دارد.

در نهایت، دوربین‌های مداربسته نقش حیاتی در افزایش امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرایم دارند، زیرا حضور دوربین‌ها موجب می‌شود مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر کنند. چرا که ترس از شناسایی و پیگرد قانونی افزایش می‌یابد و به این اساس می‌توان به بازدارندگی آن در رابطه با جرم و جنایت اشاره کرد. وجود دوربین‌ها در مکان‌های عمومی و خصوصی، حس آرامش را در جامعه افزایش می‌دهد. بنابراین، استفاده صحیح از دوربین‌های مداربسته می‌تواند به شکل چشمگیری به کاهش جرایم و افزایش امنیت در جامعه کمک کند.

بخش هفتم

سلسله خاطرات میدان جهاد

شهامت یک زن مجاهد

حافظ محمد داود مهاجر

یکی از فرماندهان مجاهد برایم حکایتی بازگو نمود که بسیار جای رشک و غبطه را دارد. شهامت پیرزنی که با دیدن مجاهدان در سویی و کافران در سویی دیگر، غیرتش به‌جوش آمد و با سخنان غیرتمندانه‌اش و موقفی که به‌نفع مجاهدان گرفت، آتشی بزرگ را بر دشمنان خون‌آشام، روشن نمود. خداوند به او پاداشی بزرگ عنایت کند.

آری، دراین سرزمین، شهامت یک زنِ دلاور، گاهی به شهامت ده‌ها مردِ جوان و تنومند برابری می‌کند. تاریخ این ملت ملالی‌های زیادی را در دل خود ثبت کرده است که هیچ‌گاه از اذهان ناپدید نمی‌شوند؛ بلکه در هر دوره‌ای چنین زنانی هستند که دوشادوش پسران، مردان و برادران خود صادقانه رزمیده‌اند و جانانه سرهای خود را فدا نموده‌اند و بسیاری از آنان در دل خاطرات بعضی از مجاهدان خفته‌اند و می‌خواهد تا کسی آن‌ها را در دل تاریخ حک کند تا زنده بمانند.

در حکایت و خاطره‌ای که امروز برایتان بیان می‌دارم، فقط دلاوری و شهامت یک زن بزرگ‌سن را در برابر جبن و بزدلی مردی بیان می‌کنم که می‌خواست مانع از کمین‌گرفتن مجاهدان درآن نزدیکی شود.

مولوی عبدالعزیز (انصاری) -از فرماندهان سرشناس امارت اسلامی- چنین بیان داشتند: جوانانی مجاهد در منطقهٔ سنگ‌حصار قندهار در کنار جاده‌ای، در میان بوته‌ها و درختان موجود در اطراف جاده، کمینی برای اشغالگران و مزدوران‌شان تدارک دیده و در حال انتظار به‌سر می‌بردند تا کاروان دشمن در نقشه‌ای که آنان طرح‌ریزی کرده‌اند برابر شود؛ ناگاه مردی -

شاید خانه و سرایش در همان اطراف قرار داشت - چشمش به مجاهدان می‌افتد که نزدیک است تا در آن منطقه آتش جنگی خطرناک را دامن بزنند. آن شخص - خداوند از خطایش درگذرد - بنابر منفعت شخصی خود، در میان مجاهدان آمده و شروع به داد و فریادزدن می‌کند! می‌خواهد مانع از وقوع چنین نبردی گردد!

مجاهدانی که با صد مشکلات، بعد از ترصدات گوناگون و بعد از تهیهٔ وسایل جنگی و بعد از انتظاری طولانی، توانسته‌اند تا ترتیبات چنین پیکاری را مهیا سازند و هم‌اکنون می‌خواهند تا دل‌های رنج‌دیدهٔ خود و ملت مسلمان را خنک بسازند؛ اما در چنین برهه‌ای حیاتی و مهم، در عین نزدیک بودن عملیات، با مانعی بزرگ روبرو می‌شوند! نمی‌دانند چه بکنند! اگر مجاهدان به سخنان آن شخص گوش نمی‌دادند، باز هم کمین افشا می شد و دشمنان می‌توانستند واکنشی خطرناک بر کمین مجاهدان انجام بدهند! که در همین لحظات، زنی کهن‌سال از راه می‌رسد، کمک‌های غیبیِ الهی در جامهٔ زنی دلاور فرود می‌آید. آن زن تا سروصدای دوطرف را می‌شنود، نزدیک می‌شود و علت را می‌پرسد.

آن زن دلاور بعد از اینکه گفته‌های مجاهدان و آن شخص را می‌شنود، فورا به‌دفاع از مجاهدان می‌پردازد و با سخنانی تاثیرانگیز شخص مانع را به بی‌غیرتی و بزدلی نشانه می‌گیرد، کوهی از ندامت و پشیمانی را بر سروکله‌اش چپه می‌کند. آن زن، خطاب به مجاهدان چنین درافشانی می‌کند: ای فرزندانم! به نبرد با دشمنان بپردازید و هیچ‌یک از کافران را زنده نگذارید! نه پروای ما را بکنید و نه خانه و بچه‌های ما را!

آری، در چنین وضعیتی بغرنج، همای سعادت بر دوش آن زن مسلمان می‌نشیند و آن شخص، سرافکنده از سخنان یک زن مجاهد، سربه‌زیر از منطقه دور می‌شود.

بنابر اخلاص مجاهدان و رشادتی که آن زن بزرگوار از خود نشان داد، درهمان روز چنان آتشی گرم بر دشمنان اسلام شعله‌ور می‌شود که تا آن زمان، چنین اتفاقی کمتر افتاده بود. درآن روز تلفات بسیار سنگینی به دشمنان وارد می‌شود.

این‌همه پیروزی، مرهون همت و شهامت زنی از نسل خنساهای زمان بود. تا ما چنین مادران، خواهران و همسرانی داریم، همواره در گهواره‌های خود، ملاعمرها، منصورها، دادالله‌ها و محمودها را پرورش می‌دهیم و هیچ‌گاه تسلیم شکست نمی‌شویم.





محرقه چیست؟

تهیه کننده : قسیم الرحمان احراری

محرقه یک مرض انتانی یا مکروبی است که پیشرفت مکروب آن سبب سوراخ شدن امعای کوچک و خونریزی داخلی بطن شده می‌تواند. تب محرقه یا تب تیفوئید (تایفاید) که به تب روده (Enteric Fever) هم معروف است یک مرض انتانی حاد جهاز هضمی است که می‌تواند تمامی سنین را مبتلا کند ولی شیرخواران و افراد بالای سن ۶۰ سال معمولاً دچار موارد شدیدتری از این مرض می‌گردند. شکل دیگر این مرض که خیف‌تر سیر می‌نماید بنام شبه محرقه یاد می‌شود.

تب محرقه یا تب تیفوئید یک مریضی حاد، شدید و جدی است که می‌تواند زندگی شخص بیمار را تهدید کند و از جمله امراض مناطق گرمسیری بوده و با حفظ الصحه عمومی و شرایط صحی، آب و محیط زیست رابطه مستقیم دارد. از همین سبب این مرض بیشتر در آسیا، آسیای مرکزی و جنوب امریکا شایع است و بعضی اوقات به صورت همه‌گیر یا اپیدمی و در سطح گستره‌ای شیوع پیدا می‌کند.

سازمان صحی جهانی تخمین زده است که سالانه ۱۷ میلیون نفر در سراسر جهان به این مرض دچار شده و ۶۰۰ هزار نفر نیز در نتیجه این مریضی جان خود را از دست می‌دهند که بسیاری از این مریضان در کشور های آسیایی زندگی می‌کنند.

این مرض در کشور ما بنابر عدم وجود سازمان‌های کنترول کننده مواد غذایی و وارداتی، عدم موجودیت سیستم کانالزیسیون معیاری، عدم موجودیت سیستم آبرسانی آب آشامیدنی و عدم مراعت بهداشتی در تهیه غذاها زیادتر شایع می‌باشد.

اسباب تب محرقه یا تب تیفوئید

مرض تب محرقه یا تب تیفوئید توسط باکتری‌های سالمونیلا انتریکا (Salmonella enterica) که بنام سالمونیلا تایفای (Salmonella Typhi) نیز یاد می‌گردد بوجود می‌آید در حالیکه نوع شبه محرقه که یک مرض خفیف‌تر می‌باشد توسط باکتری‌های بنام سالمونیلا پارا تیفوئید (Salmonella paratyphi) بوجود می‌یاید.

زمانی که باکتری از طریق دهن با وارد سیستم هضمی شد به روده‌ها رسیده و از طریق مخاط روده به داخل انساج غشا مخاطی روده نفوذ می‌کند و از طریق سیستم لمفاوی وارد جریان خون می‌شود و در این مرحله علائم

اولیه مرض به صورت تب خود را نمایان می‌کند. سپس باکتری بیشتر انتشار یافته و خود را به مغز استخوان، جگر و مجاری صفراوی می‌رساند و از طریق مجاری صفراوی به داخل محتویات روده شده و با مواد غایطه دفع می‌شوند.

تب شبه محرقه توسط نوعی باکتری‌های سالمونیلا پارا تیفوئید (Salmonella paratyphi) ایجاد می‌شود. این مرض مشابه به محرقه بوده اما به طور کلی علائم خفیف‌تری ایجاد می‌کند و این مرض به نوع A، B و C تقسیم می‌شود.

برخی دیگر از انواع باکتری سالمونلا نیز وجود دارند که باعث مسمومیت‌های غذایی و اسهال می‌شوند.

سه نوع پتوجن‌ها یا عامل سببی این مرض که از حیوانات به انسان منتقل می‌شود عبارت‌اند از:

۱- Brucella Melitensis بروسیلای بز و گوسفند؛

۲- Brucella Abortus بروسیلای گاوی؛

۳- Brucella Suis بروسیلای خوکی؛

زمینه های طریقه سرایت تب محرقه چگونه است؟

این مرض از انسان به انسان و از طریق غذا و آشامیدنی منتقل می‌شود. به همین دلیل به طور کلی می‌تواند عدم رعایت حفظ الصحه عمومی و سایر نکات بهداشتی را عامل اصلی در گسترش این بیماری دانست و بصورت خاص این مرض به طرق زیر سرایت می‌نماید:

۱- از حیوانات مبتلا به این مرض از طریق خوردن گوشت یا شیر آنها به انسان‌ها انتقال می‌یابد.

۲- مرض می‌تواند به وسیله افراد مریض یا ناقلین صحتمند (یعنی شخص بیمار بدون اعراض و علایم می‌باشد و باکتری در بدن او وجود داشته و به دیگران انتقال می‌دهد بدون اینکه خودش احساس مریضی نماید) که پس از اجابت مزاج بدون شستن دقیق دست‌ها به غذا دست بزنند یا غذا بپزند نیز به شخص دیگر انتقال پیدا می‌نماید.

۳- همچنین میوه و سبزیجات خام که کاملاً شسته نشده باشد و ضد عفونی نشود نیز یکی از راه‌هاي سرایت بیماری می‌باشد.

۴- آب‌های غیر صحی مانند آب چاه‌های سر باز و بدون محافظه.

۵- کیك‌های کریم‌دار و مواد کنسرو شده نیز می‌توانند عامل انتقال مرض شود، ولی اگر کنسروها را قبل از مصرف، حرارت دهیم باکتری‌های آن از بین خواهد رفت.

٦- همچنین حیوانات خانگی مثل سگ، پشک و غیره نیز می‌تواند در انتقال تب محرقه نقش داشته باشد.

۷- بکتریا که سبب محرقه می‌شود می‌تواند در آب‌های ذخیره شده و ایستاده برای مدت ۳ تا ۴ روز و در پنیر تازه تا مدت چند هفته، در مسکه تا دو ماه و در شیریخ یا آیس‌کریم مدت دو ماه زنده باقی بماند.

اعراض و علایم تب محرقه یا تب تیفوئید

علایم مرض تب محرقه یا تب تیفوئید معمولا پس از ٦ تا ۳۰ روز پس از ورود باکتری به بدن انسان خود را نشان می‌دهد و به مدت یک تا سه هفته طول می‌کشد که مربوط به تعداد باکتری‌های می‌باشد که وارد بدن شخص شده است یعنی دوام و شدت مرض تناسب مستقیم به تعداد باکتری‌های وارده به بدن مریض دارد.

وجود بخارهای سرخ رنگ در ناحیه شکم و قفس سینه نیز از علایم مرض محرقه است که البته در همهٔ مریضان تبارز نمی‌کند و دیده نمی‌شود. علایم دیگر می‌تواند شامل ضعف، درد شکم، قبضیت و سردرد و یک تعداد علایم دیگر مانند گیجی، اسهال و استفراغ که کمتر در نزد مریضان دیده می‌شود.

مرض شبه محرقه گرچه دارای علایم مشابه به تب محرقه است ولی این مرض سیر خفیف داشته و اعراض و علایم خفیف دارد و توسط نوع دیگر باکتری سالمونلا ایجاد می‌شود گرچه شرایط ابتلا و طرق سرایت هر دو آنها تقریبا یکسان می‌باشد.

در بعضی حالات مرض سیر خفیف داشته و ممکن است باکتری‌ها سریع از بین بروند و علایم خفیفی را ایجاد کنند. در این حالت اینگونه افراد در حالی که از خود تنها علایم خفیفی از مرض را تبارز می‌دهند ولی می‌توانند ناقل مرض باشند.

بناءً اعراض و علایم تب محرقه یا تب تیفوئید بصورت خلاصه به دو مرحله تقسیم می‌شود:

الف - مرحله ابتدایی مرض: در این مرحله در مریض اعراض و علایمی که احساس می‌نماید عبارتند از:

۱- تب که با درجات پایین شروع نموده و هر روز زیادتر شده و به ۴۰،۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد؛

۲- ضعف و بی‌حالی؛

۳- دردهای عضلانی؛

۴- عرق؛

۵- بی‌اشتهایی و باختن وزن؛

٦- سرفه خشک؛

۷- درد در شکم؛

۸- قبضیت و یا اسهال؛

۹- بخارهای جلدی؛

۱۰- در انتها پندیدگی شکم؛

ب – در مرحله بعدی مرض: اگر مریض تداوی نشود، ممکن مواجع به علایم زیر گردد:

۱- مریض هذیان می‌گوید (یعنی حرف‌های بی‌ارتباط و غیرمنطقی می‌گوید)؛

۲- مریض بصورت غیرمتحرک و بی‌حال در بستر افتاده در حالیکه چشمانش نیمه باز می‌باشد، این حالت مریض من‌حیث حالت معرقه‌ایی شناخته می‌شود.

اختلاطات یا عواقب تب محرقه یا تب تیفوئید

واقعات شدید مرض در صورت عدم تداوی ممکن سبب خونریزی معایی و یا سوراخ شدن روده شود و در نتیجه می‌تواند به پریتونیت (یک حادثه میکروبی شدن داخل شکم) هم منجر شود، این حالت معمولا در هفته سوم مرض رخ می‌دهد.

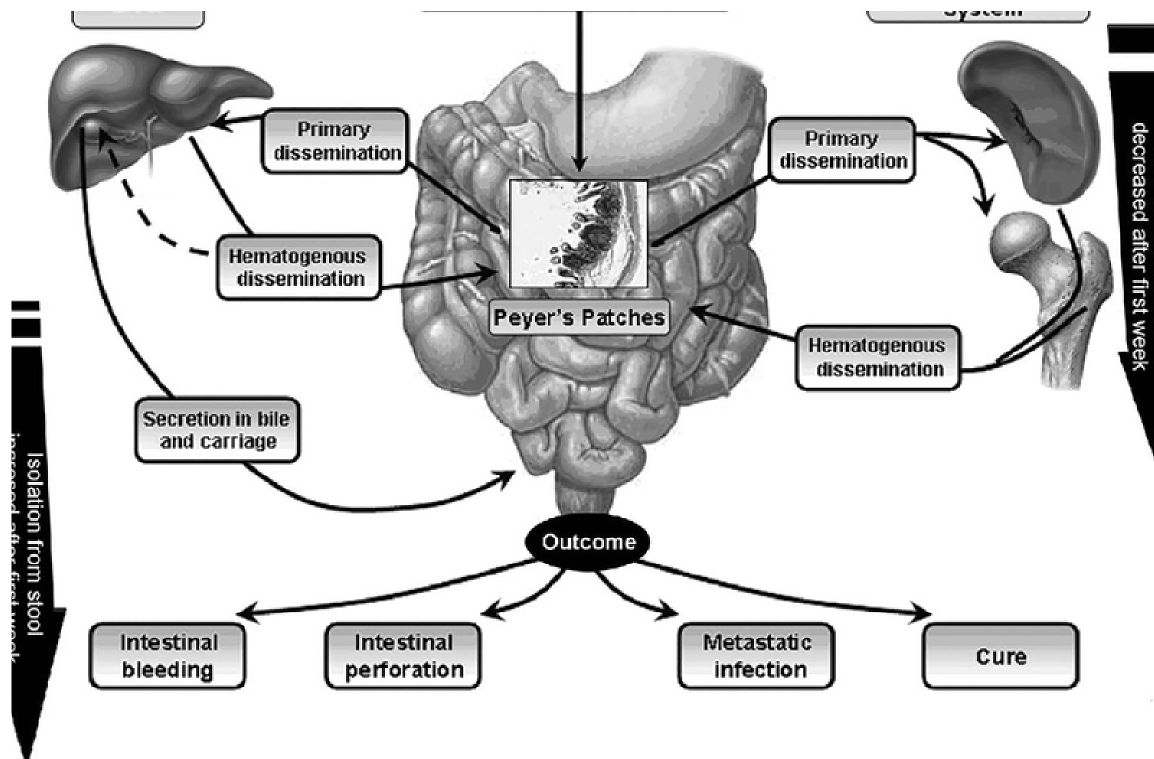
اختلاطاتی که کمتر اتفاق می‌افتند عبارتند از:

۱- التهاب عضله قلبی (myocarditis)؛

۲- التهاب داخلی قلب و دسام‌ها (endocarditis)؛

۳- سینه و بغل؛

۴- التهاب پانکراس؛



۵- التهاب میکروبی گرده و مثانه؛

٦- مننجیت (meningitis)؛

۷- اعراض دماغی مانند هذیان، برسام و غیره یعنی مریض سخنان بی‌ربط می‌گوید و چیزهای که اصلا وجود ندارند می‌بیند.

وقایه و پیشگیری از تب محرقه :

مبتلا شدن به مرض تب محرقه با شرایط حفظ الصحه عمومی و فردی رابطه بسیار نزدیکی داشته و حفظ الصحه می‌تواند تاثیر زیادی در وقایه و پیشگیری مبتلا شدن به این مرض داشته باشد.

الف - چند نوع واکسن مختلف برای معافیت در برابر سالمونلا تایفای وجود دارد. این واکسن‌ها به صورت تزریقی و خوراکی موجود هستند و نوع تزریقی آنها به علت اینکه تنها یک دوز از آنها کافی بوده و عوارض جانبی کمتری نیز دارند ترجیح داده می‌شوند. این واکسن‌ها به مدت سه سال موثر هستند و بعد از سه سال دوباره باید واکسن تطبق شود، این واکسن برای افرادی توصیه می شود که به نواحی که محرقه شایع است سفر می‌کنند.

ب – چون واکسن نمی‌تواند بصورت کامل معافیت تولید نماید، بنابران مراتب زیر را جدا مراعات نماید مخصوصا زمانی اگر سفر در مناطق که امکان ابتلا محرقه موجود باشد می‌نماید:

۱- آموزش همه مردم در مورد اهمیت شستشوی دست‌ها با آب و صابون بعد از تشناب رفتن و قبل از تهیه و صرف غذا به خصوص در مورد کسانی که با مواد خوراکی سروکار دارند یا از بیماران و اطفال مراقبت می‌کنند؛

۲- دفع صحیح فضولات انسانی، رعایت فاصله بین چاه فاضلاب و چاه آب آشامیدنی و عدم وجود حشرات در اطراف چاه و تشناب‌ها؛

۳- تامین آب سالم و صحی به منظور آشامیدن؛

۴- کنترل حشرات توسط حشره‌کش‌ها و دفع صحیح زباله‌ها؛

۵- از نوشیدن آب‌های عادی و نامطمئن خودداری نماید؛

٦- از خوردن میوه و ترکاری نشسته خودداری نماید؛

۷- دقت لازم در سلامت تهیه مواد خوراکی، حمل و نگهداری آن، بخصوص اغذیه‌ای که سرد مصرف می‌شوند (مثل سالاد)؛

۸- اگر در بازار غذا صرف می‌کنید، همیشه غذاهای گرم سفارش بدهید؛

۹- درصورت مصرف شیر، گوشت، آب، تخم مرغ و ... باید ابتدا آنها را به خوبی بجوشانید و یا پخته نماید؛

۱۰- تشویق مادران به تغذیه اطفال با شیر مادر در تمام طول شیرخوارگی و اگر بنابر معاذیری مادر به طفل شیر داده نتواند، پس جوشاندن شیر و آبی که برای طفل تهیه می‌شود خیلی ضروری است.

تداوی مرض تب محرقه

در دوران قبل از ظهور آنتی بیوتیک، طول دوره مریضی طولانی (چندین هفته) و میزان کشندگی مرض تقریباً ۱۰ تا ۲۰ درصد بود ولی با کشف آنتی بیوتیک‌ها میزان مرگ و میر در این مرض تقلیل یافته و حالا به کمتر از یک درصد کاهش یافته است. تداوی مرض تب محرقه به دو بخش منقسم می‌شود.

۱- تداوی سببی: چشم انداز تب معرقه بسیار امیدوار کننده است و تداوی آن به کمک آنتی بیوتیک‌های موثری که امروز در دسترس قرار دارد صورت می‌گیرد و معمولا پس از پایدار شدن حالت عمومی مریض می‌توان مریض را از شفاخانه مرخص کرد.

۲- تداوی عرضی: در این صورت نظر به شکایات مریض برایش دوا تجویز می‌شود. مثلا برای تب و درد برای مریض ادویه ضد تب و درد توصیه می‌شود. ممکن است لازم باشد که مریض در شفاخانه بستری شده و برای جبران آب و نمک‌های از دست رفته بدن مریض، برای بهبود بیمار از سیروم‌های مختلف استفاده صورت می‌گیرد.

باغچه علم، معرفت و آگاهی

ارشادات ناب

رهنمودهای قرآنی



خداوند متعال می‌فرماید: ای مؤمنان به شعایر خدا بی‌حرمتی مکنید و نه هم به ماه حرام، نه به هدی و نه هم به (حیوانات) دارای قلاده، و نه هم به آنهایی که قصد بیت الحرام کرده‌اند تا فضل و خوشنودی پروردگار خود را بجویند. و هنگامیکه از (حرم و) لباس احرام بیرون شدید، شکار کرده می‌توانید. دشمنی گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشته‌اند، شما را بر آن ندارد که تجاوز کنید. بر نیکوکاری و پرهیزگاری (یکدیگر را) کمک کنید و در گناه و ظلم کمک ننمایید. از خدا بترسید. به تحقیق که خداوند سخت عذاب کننده است. (سوره مبارکه المائده، آیه ۲).

خداوند متعال می‌فرماید: و ترا (ای محمد «صلی الله علیه و سلم») جز مرحمتی برای جهانیان نفرستادیم. بگو: «بیگمان به من وحی شده است که خدای شما خدای یکتاست، پس آیا شما (به حق) تسلیم می‌شوید؟» (سوره مبارکه الانبیاء/ آیه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸).

خداوند متعال می‌فرماید: رحمتی از جانب پروردگارت، بیگمان او شنوا (و) داناست.
پروردگار آسمان‌ها و زمین و هر آنچه میان آنهاست، اگر باور دارید.
جز وی هیچ معبودی نیست، زنده می‌گرداند و می‌میراند، پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما در نسل‌های پیشین. (سوره مبارکه الدخان/ آیه‌های ٦ تا ۸).

خداوند متعال می‌فرماید: قسم به آسمان و قسم به چیزی که وقت شب پدید می‌آید!
و چه چیز مطلع ساخت تو را که چه چیز به وقت شب پدید آینده است؟

که آن ستارهٔ درخشنده است.
نیست هیچ شخص، مگر بر وی فرشتهٔ نگهبانی کننده است.
پس باید که بینند آدمی از چه چیز آفریده شده است (سوره مبارکه الطارق، آیه ۱ الی ۵).

خداوند متعال می‌فرماید: نیکی برابر نیست و بدی (نیز) برابر نیست (یعنی هر کدام از آنها درجات متفاتی دارند)، (بدی را) به بهترین (نیکی) دفع کن، پس آنکه در میان تو و او دشمنی است، همانند دوست غمخوار (تو) می‌گردد.
به این (مقام) نمی‌رسند جز کسانیکه شکیبایی ورزیدند، و نمی‌رسند جز کسانیکه (از خلق نیکو) بهره‌ای وافر دارند. (سوره مبارکه فصلت/ آیه‌های ۳۴ و ۳۵).

خداوند متعال می‌فرماید: آسمان، زمین و آنچه را در میان آنهاست بیهوده نیافریدیم. این پندار کافران است (که گمان می‌کنند همه چیز بیهوده می‌باشد). پس وای بر کافران از آتش (دوزخ)!
آیا آنانی را، که ایمان آوردند و نیکوکاری ورزیدند، مانند کسانی قرار می‌دهیم که در زمین دست به تبهکاری می‌زنند؟ یا پرهیزگاران را در صف بدکاران قرار می‌دهیم؟ (سوره مبارکه ص/ آیه‌های ۲۷ و ۲۸).

خداوند متعال می‌فرماید: آن کس که بذل و بخشش کند، پرهیزگار باشد، به روز آخرت تصدیق و باور داشته باشد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. (سوره اللیل/ آیه ۵ - ۷)

خداوند متعال می‌فرماید: بگو ای بندگان من، همانا که بر نفس خود اسراف نموده‌اید، و راه حق را نپیموده‌اید، از رحمت خدا مایوس نباشید، به راستی خدا (قادر و توانا است) تمام گناه‌ها را می‌بخشد. مطمئن باشید او بخشنده و مهربان است. (سوره الزمر/ آیه ۵۳)



دُرگفته‌های نبوی

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است [۱] سلام او را به و علیکم جواب دادن [۲] خبر گیری کردن از او اگر مریض باشد [۳] رفتن با جنازه او تا دفن کردن [۴] پذیرفتن دعوت او به نان خوردن [۵] و یرحمك الله گفتن برای عطسه زننده. (متفق علیه)

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: خدا رحم نمی‌کند بر کسی که به مردم رحم نکند. (متفق علیه)

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که از نرمی کردن محروم باشد، یعنی صفت نرم گیری را نداشته باشد، از تمام انواع خیر محروم و بی‌نصیب است. (رواه مسلم)

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: شخص قوی کسی نیست که طرف مقابل خود را به زمین بزند. بلکه قوی شخصی است که حین غضب مالک نفس خود باشد و خود را کنترل کند. (متفق علیه)

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: کافی و بسنده است برای دروغ‌گو شمرده‌شدن شخص، اینکه هر چه را بشنود بدون غور و دقت برای دیگران بگوید و برساند. (رواه مسلم)

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که عیب مسلمانی را بپوشد، خدا عیوب او را در روز قیامت از دیگران می‌پوشد. (متفق علیه)



د ستر امام (امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله)

اخلاقي ژوند

لیکنه او راټولونه: ارسلا حسان

امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله د اسلامي نړۍ یو له مشهورو او لومړیو لویو فقهاؤ څخه و، چې د حنفي مذهب بنسټ ایښودونکی ګڼل کېږي. هغه په علمي، فقهي، او اخلاقي لحاظ یو بې ساری مقام درلود. د هغه اصلي نوم نعمان بن ثابت و، او د "ابو حنیفه" په کُنیه مشهور و. د هغه بشپړ نوم "نعمان بن ثابت بن زوطا" و، او په ۸۰ هجري کال کې د کوفې په ښار کې زېږېدلی و. امام ابو حنیفه رحمه الله د اسلامي نړۍ لومړنی فقیه ګڼل کېږي چې په یو مشخص فقهي مذهب یا مدرسې کې یې د شریعت قانون ترتیب کړ.

د امام ابو حنیفه رحمه الله ژوند او زده کړې

امام ابو حنیفه رحمه الله د ماشومتوب په دوره کې له خپل پلار او کورنۍ سره سوداګر و، خو له ځوانۍ څخه یې د علمي زده کړو شوق پیدا شو او بیا یې په بشپړه توګه خپل ژوند د دیني علم د زده کړې لپاره وقف کړ. د هغه استادان له نامتو اسلامي علماوو څخه وو، لکه د حضرت علي رضي الله عنه نبیره امام زید بن علي او حماد بن ابي سلیمان. امام ابو حنیفه رحمه الله د خپلې زده کړې په دوره کې د حدیث، فقه، تفسیر، او اصول فقه په برخو کې ژورې مطالعې وکړې او ځان یې یو جامع عالم او فقیه جوړ کړ.

د حنفي مذهب بنسټ

امام ابو حنیفه د خپل علمي فکر او اجتهاد له لارې د حنفي فقهي اصول ترتیب کړل، چې په اسلامي نړۍ کې یو له څلورو لویو فقهي مذهبونو څخه دی. د هغه په فقهي نظریاتو کې د رأیې (عقل او اجتهاد) استعمال ډېر اهمیت لري، او د هغه فکر له پراخ زغم څخه برخمن و. امام ابو حنیفه د هغه وخت په علمي ټولنه کې ډېر لوی اغېز درلود، او د هغه فقهي اصول د اسلامي نړۍ په ګڼو سیمو کې وپېژندل شول.

اخلاقي ځانګړتیاوې

امام ابو حنیفه رحمه الله د اخلاص، تقوا، زهد او زغم یوه لویه بیلګه و. هغه د شپې زیاتې برخې په عبادت کې تېروالې او په سوداګرۍ کې به یې ډېر صداقت ساته. هغه د ظالمو واکمنانو پر وړاندې هم کلک و او د هغوی په وړاندې به یې خپل حق دریځ ساته. هغه ته د عباسي خلیفه منصور لخوا د قضاوت وړاندیز وشو، خو امام ابو حنیفه دا وړاندیز رد کړ، ځکه چې هغه باور درلود چې دا مقام به د ظلم د پیاوړتیا سبب شي.

شاګردان او علمي میراث

امام ابو حنیفه رحمه الله ډېر ممتاز شاګردان لرل، لکه امام ابو یوسف، امام محمد بن حسن الشیباني او امام زفر، چې هغوی د حنفي فقهې په خپرولو او دوام کې لوی رول درلود. د هغه شاګردانو په هغه وخت کې د اسلامي ټولنې لپاره ډېر خدمتونه ترسره کړل او د هغه د فکر پراختیا یې د اسلامي نړۍ بېلابېلو سیمو ته ورسوله.

وفات

امام ابو حنیفه رحمه الله په ۱۵۰ هجري کال کې د ۷۰ کلونو په عمر کې د بغداد په ښار کې وفات شو. ویل کېږي چې هغه د سختو شکنجو په نتیجه کې وفات شو، ځکه چې هغه د واکمن پر وړاندې د خپلواکه نظر ساتلو په لاره کې نه نرمېده.

امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله د علم او اخلاقو یوه بیلګه وه، او د هغه شخصیت په اسلامي تاریخ کې تل د احترام وړ پاتې شوی دی. د هغه د ژوند هر اړخ د دیني ارزښتونو ښکارندويي کوي، او په ځانګړې ډول د هغه اسلامي اخلاق او د خلکو سره د تعامل اصول یو مهم الهام دی. د هغه د شخصیت مهم اړخونه له مستندو کیسو سره په لاندې ډول توضیح کوو:

۱. اخلاص او تقوا

امام ابو حنیفه رحمه الله په خپل عبادت کې بې ساري اخلاص درلود، او هر عمل یې یوازې د الله لپاره و. روایت دی چې امام ابو یوسف رحمه الله، چې د هغه نږدې شاګرد و، وایي: "ما امام ابو حنیفه رحمه الله هیڅکله داسې ونه لیده چې د عبادت څخه پرته په بل کار کې مصروف وي." هغه د شپې ډېرې برخې په عبادت کې تېرولې او دا یې خپل لازمي عمل ګرځولی و. یو روایت دی چې امام ابو حنیفه رحمه الله به ویل: "که زه پوه شوم چې زما یو حرف د دین د خپراوي او د الله د رضا لپاره نه وي، نو د هغه وویل به ود کوم." دا د هغه د اخلاص یو مهم ثبوت دی.

۲. صبر او استقامت

امام ابو حنیفه رحمه الله ته په خپل وخت کې ډېر سیاسي او ټولنیز فشارونه ور پېښ شول. هغه د عباسي خلافت پر وړاندې خپلواکه نظر درلود او د ظالمانو ملاتړ یې نه کاوه. کله چې عباسي خلیفه منصور هغه ته د قضاوت منصب وړاندې کړ، امام ابو حنیفه رحمه الله له دې سره مخالفت وکړ. هغه وویل چې د حق لار د خلیفه د غوښتنو تابع نه شي کېدی. د ده د دې پرېکړې په بدل کې هغه بندیخانې ته واچول شو، خو هغه د خپل اصولو په ساتلو کې استقامت وښود.

۳. امانت او صداقت

امام ابو حنیفه رحمه الله په سوداګرۍ کې هم ډېر صادق او امانت دار و. یوه ورځ یوه ښځه امام ابو حنیفه رحمه الله ته د یوه جامو ټوټه راوړه او ویې ویل چې پلور یې ورته وکړي. امام ابو حنیفه ورته وویل چې دا ټوټه نیمګړتیا لري او هغه یې باید د هغې کمۍ په اړه خبروي. کله چې ښځې له ده سره خبرې وکړې او د قیمت په اړه یې ورته وویل، نو امام ابو حنیفه رحمه الله هغې ته بشپړه خبرتیا ورکړه، چې دا د ده د صداقت او امانت یو روښانه مثال دی.

۴. تواضع او عاجزي

له خپل علم او لوړې مرتبې سره سره، امام ابو حنیفه رحمه الله ډېر عاجز او متواضع و. هغه به ویل: "هر هغه څوک چې ځان لوی ګڼي، هغه په حقیقت کې په خپل عزت کې کمي راوستلې." یو ځل یو سړی امام ابو حنیفه رحمه الله ته راغی او ویې ویل چې یو فقهي پوښتنه ورته حل کړي. امام ابو حنیفه رحمه الله هغه ته وویل: "زه به یې درته د الله په مرسته حل کړم، خو که

بل څوک درته پرې ښه دلیل وړاندې کړ، نو هغه باید له ما غوره وګڼي." دا د هغه د تواضع یوه ښکاره نمونه ده.

۵. د شاګردانو سره مینه او مهرباني

امام ابو حنیفه رحمه الله د خپلو شاګردانو سره ځانګړې مینه لرله او په هغوی کې یې د پوهې تشه ډکولو کې ډېر وخت مصرف کړ. د ده یو شاګرد، امام ابو یوسف، د خپل فقهي استعداد له امله ډېر مشهور شو. یوه ورځ امام ابو حنیفه رحمه الله ورته وویل چې که څه هم دی هغه اندازه مالي وس نه لري، خو د ده مرسته به کوي تر څو علم ترلاسه کړي. هغه د خپل وخت ډېره برخه شاګردانو ته ورکړه او هغوی یې په مختلفو برخو کې وروزل.

۶. د خلکو سره مرسته او همکاري

امام ابو حنیفه رحمه الله د خلکو اړتیاوې اورېدې او د خپلې وسې سره سم به یې ورسره مرسته کوله. هغه نه یوازې د دیني لارښوونو په برخه کې مرسته کوله، بلکې که به کوم کس له اقتصادي ستونزو سره مخ و، نو امام ابو حنیفه به د هغه مرسته کوله. روایت دی چې هغه به ویل: "که د الله بنده مرسته وکړي، الله تعالی به یې هم د هغه په نېکۍ کې مرسته وکړي."

۷. علمي لوړوالی او زغم

د امام ابو حنیفه رحمه الله علمي ژوروالی او لوړوالی بې مثاله و، او له بلې خوا هغه د مختلفو علماوو نظریات په زغم اورېدل. یو ځل د مدیني مشهوره عالم امام مالک رحمه الله د یوې فقهي مسئلې په اړه امام ابو حنیفه سره مختلف نظر درلود. امام ابو حنیفه په ډېر احترام سره د هغه نظر واورېد او ورسره یې علمي بحث وکړ، پرته له دې چې د اختلاف په اړه بدې خبرې وکړي. د امام ابو حنیفه د زغم او علمیت له امله هغه د علمي حلقو په منځ کې د احترام وړ شخصیت و.

د لویو او معتبرو علماوو اقوال

البته! دلته د مختلفو معتبرو علماوو د امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله په اړه مستند اقوال راوړم چې د مختلفو اسلامي منابعو له لارې ثبت شوي دي. دا اقوال د امام ابو حنیفه رحمه الله د لوړ اخلاقي او علمي مقام ثبوت وړاندې کوي.

۱. امام شافعي رحمه الله

امام شافعي رحمه الله د امام ابو حنیفه په اړه وایي:

> "من أراد الفقه فهو عیال على أبي حنیفة"

"هر څوک چې د فقهي علم غواړي، هغه باید د امام ابو حنیفه رحمه الله له لارښوونو ګټه پورته کړي."

(سرچینه: ابن ابی حاتم، آداب الشافعي ومناقبه)

دا قول څرګندوي چې امام شافعي رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله د علمي شخصیت لوړوالی او د هغه خدمتونه په فقهي علم کې منلي دي. همدارنګه امام شافعي رحمه الله به ویل چې امام ابو حنیفه رحمه الله نه یوازې د علم خاوند و، بلکې د اخلاص، تقوا او دیني اصولو پابند شخصیت هم و.

۲. امام مالک رحمه الله

امام مالک رحمه الله، چې د مدینې منورې لوی عالم و، د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

> "رأیت رجلاً لو کلمك في هذه الساریة أن یجعلها ذهباً لقام بحجته"

"ما له داسې انسان ولید چې که د دې ستنې د سرو زرو کېدو په اړه دلیل وړاندې کړي، نو قانع کوونکی به وي." (سرچینه: ابن عبدالبر، الانتقاء فی فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء)

دا قول د امام ابو حنیفه رحمه الله د قوي علمي استدلال او د هغه د پوهې په اړه یو قوي ستاینه ده، چې امام مالک رحمه الله د هغه په اخلاقي او علمي شخصیت باندې خپله عقیده څرګندوي.

۳. امام احمد بن حنبل رحمه الله

امام احمد بن حنبل رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

"أول من فقه الناس في الرأي أبو حنیفة"

"د خلکو په منځ کې لومړی څوک چې د رأیې پر اساس فقه معرفي کړه، ابو حنیفه و." (سرچینه: الذهبي، سیر أعلام النبلاء)

امام احمد د امام ابو حنیفه رحمه الله د علمي اصالت

او فکر ستاینه کوي او په دې اعتراف کوي چې هغه د فقهې په خپرولو او د دیني مسایلو په حل کې د بې ساري مهارتونو لرونکی و.

۴. ابن مبارک رحمه الله

عبدالله بن مبارک رحمه الله، چې د اسلامي نړۍ لوی محدث او فقیه و، د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

"لو لا أن الله أعانني بأبي حنيفة وسفيان، لكنت كسائر الناس"

"که الله زه د ابو حنیفه او سفیان ثوري په موجودیت سره نه وای ملاتړ کړی، نو زه به هم د نورو خلکو په څېر وم." (سرچینه: ابن عبدالبر، الانتقاء فی فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء)

دا قول څرګندوي چې عبدالله بن مبارک د امام ابو حنیفه علمي مقام او د هغه د اخلاقو اغېز منلی دی او د هغه په موجودیت کې یې ځان په دیني علم کې یو معتبر مقام ته رسېدلی ګڼلی دی.

۵. امام سفیان ثوري رحمه الله

امام سفیان ثوري رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

"كان أبو حنيفة أفقه أهل الأرض في زمانه"

"ابو حنیفه د خپل وخت د ځمکې تر ټولو پوه انسان و." (سرچینه: الذهبي، تاريخ الإسلام)

امام سفیان ثوري رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله په علمي وړتیا او پوهه باندې عقیده درلوده او هغه یې د وخت یو له ستر فقیهانو څخه ګاڼه.

۶. امام یحیی بن معین رحمه الله

یحیی بن معین رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

"كان أبو حنيفة ثقة لا يحدث بالحديث إلا بما يحفظه، ولا يحدث بما لا يحفظ"

"ابو حنیفه یو د باور وړ عالم و، چې یوازې هغه حدیث به یې روایت کاوه چې له یاد څخه یې درلود." (سرچینه: ابن ابی حاتم، الجرح والتعدیل)

یحیی بن معین رحمه الله د امام ابو حنیفه د امانتدارۍ او صداقت په اړه د هغه یوه مهمه ځانګړنه یادوي، چې هغه به یوازې مستند او دقیق احادیث روایت کول.

۷. امام ابن حجر العسقلاني رحمه الله

امام ابن حجر العسقلاني رحمه الله د امام ابو حنیفه رحمه الله په اړه وایي:

"كان أبو حنيفة عابداً زاهداً ورعاً، من أفاضل المسلمين"

"ابو حنیفه یو عبادت کوونکی، زاهد او د الله څخه وېرېدونکی شخص و، چې د مسلمانانو په غوره کسانو کې یې ځانګړی مقام درلود." (سرچینه: ابن حجر، تهذیب التهذیب)

ابن حجر د امام ابو حنیفه تقوا او د دیني اخلاقو لوړې ځانګړتیاوې ستایي او هغه یې د اسلامي اخلاقو یوه نمونه ګڼلې ده.

پایله

د پورتنیو مستندو اقوالو له مخې، دا څرګنده ده چې امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله په اسلامي نړۍ کې یوازې د علم له مخې نه، بلکې د لوړ اخلاقي مقام له مخې هم ډېر دروند شخصیت ګڼل کېږي. هغه د زهد، تقوا، صداقت او استقامت نمونې وړاندې کړې دي. د هغه په اړه د دې لویو علماوو اقوال د دې ګواه دي چې امام ابو حنیفه رحمه الله په دیني خدمتونو، علمي استدلال او اسلامي اخلاقو کې بې مثاله مقام درلود.

امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله یوازې یو لوی فقیه نه و، بلکې د هغه اخلاقي ژوند او د انسانیت سره تعامل هم زموږ لپاره د ژوند یوه لویه لارښودنه ده. د هغه د تواضع، امانت، صداقت، اخلاص او د خلکو سره د مرستې مثالونه موږ ته دا ښیي چې څنګه یو دیني عالم خپل علم د ټولنې په اصلاح او د خلکو په فلاح کې کارولی شي. د هغه ژوند زموږ لپاره د دیني اخلاقو، خدمت او علمیت یو بشپړ درس دی.

***

بخش بیست و نهم

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی

عالم برزخ

فاصله میان دو چیز را در عربی «برزخ» می‌گویند، لذا فاصله‌ای که پس از مردن تا قیامت وجود دارد را برزخ می‌گویند. بدون شک در این زندگی عذاب هم وجود دارد، ثواب هم وجود دارد.

براساس عقیده اهل سنت و جماعت، برزخ از صریح آیات و احادیث ثابت است، همچنین روایاتی که بیانگر احوال و اوصاف اهل بهشت و جهنم هستند ثبوت دارند.

برزخ نام جای مخصوصی نیست، بلکه بعد از موت هر جایی که جسم انسان یا اجزای آن به صورت متفرق و یا جمع موجود باشند، آنجا برای او عالم برزخ و قبر است.

در عالم برزخ سلسله‌ی جزا و سزا اجرا می‌شود، به انسان نیک در عالم برزخ آسایش و راحتی می‌رسد و با انعامات نوازش می‌شود، اما انسان بد با شکنجه و عذاب روبه رو می‌شود.

در عالم برزخ ثواب و عذابی که پیش می‌آیند، بر جسم و روح انسان واقع می‌شوند، پس در حقیقت این جسم عنصری به همراه روح، ثواب و عذاب را حس می‌کند.

هنگام مرگ، روح از جسم خارج می‌شود؛ ولی روح هیچ زمانی فنا نمی‌شود بلکه به مکان مناسب نیاز دارد. بعد از دفن میت روح او برای پرسش و پاسخ به جسمش بر می‌گردد. سپس روح با جسم چنان ارتباطی بر قرار می‌کند که ثواب و عذاب را احساس می‌کند.

تمام احوال برزخ از انسان‌ها و جن‌ها پنهان شده‌اند تا این که ایمان به غیب، باقی بماند. [۱]

علامه ابن ابی العز حنفی در شرح العقیدة الطحاوية مي‌فرماید: زندگی انسان سه مرحله دارد: سرای دنیا، سرای برزخ و سرای همیشگی آخرت. سپس می‌فرماید: باید دانست که عذاب یا نعمتی که در قبر است، از جنس عذاب و نعمت دنیا نیست، اگر چه که خداوند خاک و سنگی که بر زیر و روی فرد قرار دارد را نیز داغ و گداخته می‌کند تا جایی که از اخگرهای دنیا نیز سوزاننده‌تر هست، اما وقتی اهل دنیا به آن سنگ و خاک دست بزنند چیزی را حس نمی‌کنند؛ بلکه عجیب‌تر این هست که دو نفر در کنار همدیگر دفن می‌شوند در

حالی که قبر یکی گودالی از گودال‌های جهنم است و دیگری باغی از باغ‌های بهشت است. به یکی از عذاب دیگری چیزی نمی‌رسد، و به دیگری از نعمت‌های او چیزی نمی‌رسد. بلکه قدرت خدا بیشتر و عجیب‌تر از این هم هست و خداوند می‌تواند بندگانش را از این اسرار آگاه کند، اما در این صورت حکمت تکلیف و ایمان به غیب برداشته می‌شد و مردم از دفن مرگان دست می‌کشیدند. چنانچه که در صحیح مسلم شریف آمده: «لولا أن لاتدافنوا لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبر ما أسمع.» اگر بیم دفن نکردن مردگان نبود، من دعا می‌کردم و از خداوند می‌خواستم که عذاب قبر را به شما بشنواند چنانکه من می‌شنوم. [۲]

منابع
[۱] عقاید اهل سنت و جماعت/ ص۱۸۹-۱۹۱/ کتابسرای سادات.
[۲] شرح العقيدة الطحاوية/ ص۴۰۰/ مكتبة حقانية.
وَاللهُ اَعلَم بِالصَّواب.

کاتب: عبدالکریم حسینی
تاریخ:۳/ذی قعده/۱۴۴۴ هجری.قمری

خریدوفروش وسیله دزدی

علماء کرام در مورد این مسئله در شریعت، بر اساس فقه (حنفی) چه می‌فرمایند:

سلام وقت بخیر آیا خریدوفروش وسیله دزدی جایزاست؟ مثلا من می‌دانم این وسیله دزدی هست، می‌خرم و باز به یک نفر دیگر می‌فروشم.

الجَوَابُ بِإسْمِ مُلْهَمِ الصَّوَاب
وَعْلَيَكُمُ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرَكَاتُه
خرید و فروش اشیاء دزدی‌شده جایز نیست و باید به صاحبش برگرداند. حکم مال خبیث با تبدّل ملک تغییر نمی‌یابد و حرام همچنان موجود است.

در کتاب «ردالمحتار» آمده است: (قوله: الحرام ينتقل) «أي تنتقل حرمته وإن تداولته الأيدي وتبدّلت الأملاك...»

ارائه ادله و مراجع
ـ فی تفسیر القرآن العظیم:

ـ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ الله حَلالا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ الله إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ـ
يقول تعالى آمرا عباده المؤمنين بأكل رزقه الحلال الطيب، وبشكره على ذلك، فإنه المنعم المتفضل به ابتداء، الذي يستحق العبادة وحده لا شريك له.
(تفسيرابن كثير، ج٤/ص٣٥٦ ـ ٣٥٧ـ سورة النحل، / الآية: (١١٤)/لمكتبة التوفيقية.)
ـ و فی بذل المجهود:
من اكتسب مالا بغير حق، فأما أن يكون كسبه بعقد فاسد كالبيوع الفاسدة أو الإستئجار على المعاصی، أو السرقة.... ففی جميع الأحوال المال الحاصل له حرام عليه...و يجب عليه أن يرده على مالكه إن وجد المالك، و إن لم يجد المالك و يريد أن يدفع مظلمته عن نفسه....... فليس له حيلة إلّا أن يدفعه إلی الفقراء.
(بذل المجهول فی حلِّ سُنن أبی داوُد، ج١/ ص٣٥٩، رقم الحديث: ٥٩، كتاب الطهارة،دارُالبشائر الإسلامية، بيروت.)
لم يحل للمسلم ان يشترى شئا يعلم انه مغصوب او مسروق او ماخوذ من صاحبه بغير حق، من اشترى سرقة ای مسروقا و هو يعلم انها سرقة فقد اشترک فی اثمها و عارها، الحلال و الحرام فی الاسلام، لدكتور يوسف قرضاوی، الباب الرابع فی المعاملات، ص ٢١٦، ط: المكتب الاسلامی
وَاللهُ اَعلَم بِالصَّواب.

کاتب: سیف الدین عطائی
تاریخ: ١٦ /ربیع الاول/١٤٤٥ هجری.قمری

صفحه ویژهٔ شیربچه‌های هندوکش

تهیه و ترجمه:
صلاح‌الدین نیمروزی

عمرعلی و شجاعت در گفتن اشتباه

در تعطیلات آخر هفته عمرعلی کوچولو همراه خواهرش سارا و پدر مادرشون به دیدن مادربزرگشون رفتن که توی یک مزرعه زندگی می‌کرد.

مادربزرگ عمرعلی یک تیرکمان بهش داد تا بره توی مزرعه و باهاش بازی کنه.

عمرعلی کوچولو خیلی خوشحال شد و دوید توی مزرعه تا حسابی بازی کنه، اما وسط بازی یکی از تیرهاش اشتباهی خورد به اردک خوشگلی که مادربزرگش خیلی دوسش داشت، اردک بیچاره مرد.

عمرعلی کوچولو که حسابی ترسیده بود اردک رو برداشت و برد یه جایی پشت باغچه قایم کرد.

وقتی رویش رو برگردوند تا بره به ادامه بازیش برسه دید که خواهرش سارا تمام مدت داشته نگاهش می‌کرده، اما هیچی به عمرعلی نگفت و رفت.

فردا ظهر مادربزرگ از سارا خواست تا توی آماده کردن سفره‌ی نهار بهش کمک کنه، سارا نگاهی به عمرعلی کرد و گفت مادربزرگ عمرعلی به من گفت که از امروز تصمیم گرفته تو کارهای خونه به شما کمک کنه. بعد هم زیرلب به عمرعلی گفت: جریان اردک رو یادته؟

عمرعلی کوچولو هم دوید و تمام بساط ناهار رو با کمک مادربزرگش فراهم کرد.

عصر همون روز پدربزرگ به عمرعلی و سارا گفت که می‌خواهد اونها رو به نزدیک دریاچه ببره تا باهم ماهیگیری کنن. اما مادربزرگ گفت که برای پختن شام روی کمک سارا حساب کرده است.

سارا سریع جواب داد که مادربزرگ نگران نباش چون عمرعلی قراره بمونه و بهت کمک کنه.

عمرعلی کوچولو در همه‌ی کارها به مادربزرگش کمک می‌کرد و هم کارهای خودش و هم کارهای سارا رو انجام می‌داد. تا اینکه واقعا خسته شد و تصمیم گرفت حقیقت رو به مادربزرگش بگه.

اما در کمال تعجب دید که مادربزرگش با لبخندی اونو بغل کرد و گفت:

عمرعلی عزیزم من اون روز پشت پنجره بودم و دیدم که چه اتفاقی افتاد. متوجه شدم که تو عمدا اینکار رو نکردی و به همین خاطر بخشیدمت. اما منتظر بودم زودتر از این بیای و حقیقت رو به من بگی.

نباید اجازه می‌دادی خواهرت بخاطر یک اشتباه به تو زور بگه و از تو سوء استفاده بکنه.

باید قوی باشی و همیشه به اشتباهاتت اعتراف کنی و سعی کنی که دیگه تکرارشون نکنی.

اما این رو بدون پیش هرکسی و هرجایی به اشتباهاتت اعتراف نکنی، چون دیگران از اون اعتراف تو به ضرر خودت استفاده می‌کنند.

پشتکار بهتر از استعدادی است که به آن مغرور می شویم

در زمان قدیم دهکده‌ای بود که بیشترین محصول گندم را داشت. روزی آفت وحشتناکی به گندم‌های این دهکده زد. معلم تنها مکتب آن دهکده شاگردانش را صدا زد و به آنها گفت من دوستی دارم که در دهکده‌ای دیگر زندگی می‌کند. او راه از بین بردن این آفت را بلد است. باید یکی از شما را به همراه نمونه گندم آفت خورده پیش او بفرستم تا راه نجات از این مشکل را بیابد و ساختن سم آفت‌کش را به شما یاد بدهد. حالا چه کسی داوطلب انجام دادن این کار است؟

زرنگ‌ترین شاگرد کلاس گفت که من انقدر باهوشم که می‌توانم سریع روش ساختن سم را یاد بگیرم و برگردم. من می‌روم.

معلم قبول کرد اما گفت من یکی از شاگردان معمولی کلاس را نیز همراه تو می‌فرستم تا تنها نباشی. مراقب او باش.

آنها فردا صبح به سمت دهکده‌ی دیگر حرکت کردند و بعد از چند روز برگشتند.

همه منتظر بودند تا داستان را بشنوند و نحوه‌ی ساختن سم را یاد بگیرند. شاگرد زرنگ گفت که از ترکیب چند ماده‌ی ساده می‌توانیم سم را بسازیم و آفت را ازبین ببریم و سپس چند ماده را باهم مخلوط کرده و روی مزارع پاشید. اما نه تنها آفت‌ها از بین نرفتند بلکه بیشتر شدند.

این بار معلم شاگرد معمولی را صدا زد و خواست که هرچه به یاد دارد را بگوید. او کامل و دقیق مرحله به مرحله از تمیز بودن ظرف سم و اندازه‌ی دقیق مواد تا زمان آب ندادن به مزرعه را برایشان شرح داد.

اینبار سم را ساختند و روی مزرعه‌ها پاشیدند, بعد از مدتی آفت گندم‌ها از بین رفت.

همه با تعجب از معلم سوال کردند که چطور ممکن است که روش شاگرد زرنگ عمل نکرده باشد اما شاگرد معمولی توانسته باشد روش درست را یاد بگیرد؟ معلم گفت شاگرد زرنگ به هوش خودش مغرور شده بود و به آموزش دوست من زیاد دقت نکرده بوده است، چون فکر می‌کرده که با هوش زیاد خود می‌تواند از پسش بربیاید. اما شاگرد معمولی با دقت کافی و پشتکار زیاد توانست بخوبی سم آفت‌کش را یاد بگیرد.

امیر مدبر و عالم باوقار؛

شهید مولوی معاذ (زبیر) -تقبله الله-

نویسنده: عمر قندهاری

سال‌ها پیش از امروز، چند صباحی را با دوست و رفیق، دعوت‌گر توانا و مجاهد غیور؛ شهید مولوی سعد -تقبله‌الله- گذراندیم و بر اثر اخلاق زیبایش، محبت او و راه پرخطری که در پیش گرفته بود، در دل‌مان جای گرفت، تا جایی که او محبوب‌ترین فرد در دل‌های‌مان شد و راهش محبوب‌ترین راه. شهید مولوی سعد -تقبله‌الله- از جملهٔ آن ۱۸ نفری بود که در بمباردمان وچاپهٔ بزرگ آمریکایی‌ها به شهادت رسیدند.

چند سال قبل، در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۳ هـ.ش، نیروهای آمریکایی بر کمربند مجاهدین واقع در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز، شبانه چاپهٔ بزرگی راه‌انداختند که با مقاومت سه‌تن از مجاهدین دلاور و جان‌برکف به نام‌های: استاد عبید، شیردل و استاد یاسر مواجه شدند، تا جایی که صدای جیغ و داد سربازان آمریکایی به گوش مردم محله نیز رسید و بر این امر گواهی دادند.

در این چاپه چند تن از مجاهدین به شهادت رسیده و بسیاری از سربازان آمریکایی نیز به درک واصل شدند، اما با این وجود ساکت نمانده و تا دو روز چندین جت و طیارهٔ بی‌سرنشین بر کمربند چرخیده و بمبار می‌کردند، و در این بمباردمان‌ها چندین تن از مجاهدین، عاشقانه جام شیرین شهادت را نوشیدند، که شهید مولوی سعد و یار جان‌نثارش؛ شهید مولوی معاذ -تقبلهماالله- از جملهٔ آنان بودند.

از آن‌جایی که محبت میان من و شهید مولوی سعد بنابر اخوت اسلامی و رابطهٔ جهادی بود، با وجود این‌که شهید مولوی معاذ -تقبله‌الله- را نمی‌شناختم؛ اما بازهم بعد از شهادتش، نادیده محبتی از وی در دلم ایجاد شد و عکس‌هایش همانند تصویرهای دوستان نزدیک مأنوس بودند. خدایش اورا شامل بهترین رحماتش کند.

شهید مولوی زبیر با نام مستعار «معاذ»، در سال ۱۳۷۳ هـ.ش، در روستای پادیگ، از توابع منطقه کوه‌ون، در دیار هجرت ایران دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در مکتب باهنر روستای پیردان، پشت سرگذاشته و سپس در مدرسه‌ی دینی منبع‌العلوم کوه‌ون پادیگ به تحصیل علوم دینی پرداخت.

یکی از اساتید منبع‌العلوم کوه‌ون دربارهٔ چگونگی ورود شهید معاذ به میدان جهاد چنین می‌فرماید: از آن‌جایی که افغانستان از سوی آمریکایی‌ها و غلامان‌شان دچار اشغال گشته بود، اساتید این مدرسه بنابر وظیفهٔ دینی و اخوت اسلامی با مسلمان افغانستان، دربارهٔ حالات این کشور، مظلومیت ملت افغان، ظلم بیش از حد

اشغال‌گران و حکم جهاد در این کشور سخن می‌گفتند که باعث ذهنیت‌سازی شاگردان می‌شد.

شهید نیز همانند دیگر طلاب، آتش شعله‌ور جهاد در وجودش برافروخته شد و از مظلومیت مسلمان‌ها در جهان و خصوصا در افغانستان، رنج دیده بود و همیشه اخبار را دنبال می‌کرد و اراده جهاد نمود.

مولوی زبیر بعد از اینکه به کلاس سوم سطح رسید، شوق جهاد را در وجود خود بیش از هر زمانی احساس کرد و برای ادای این فریضه مهم، رهسپار افغانستان شد.

ایشان بعد از پشت سر گذاشتن تمرینات جهادی و آمادگی‌های لازم، مجددا به قصد ادامه‌ی تحصیل به دارالهجرت برگشت، و به ادامهٔ درس‌هایش پرداخت. وی طی این سال‌ها در ایام تعطیلات به میدان جهاد می‌رفت و در جهاد علیه اشغال‌گران شرکت می‌کرد.

وی در سال ۱۳۹۶ هـ.ش، بعد از اینکه از علوم دینی فارغ‌التحصیل شد، بعد از جلسه دستاربندی، عزم خود را جزم کرده و به‌سوی افغانستان رخت سفر بست تا برای همیشه در میدان جهاد بماند.

وی در میدان جهاد، مشغول به جهاد شده و عزمی برای برگشت نداشت، چنان‌که بارها از وی خواسته شد تا مدتی برای دیدار با خانواده برود و دوباره برگردد؛ ولی وی امتناع کرده و می‌گفت: «من تازه گم‌شده‌ام را پیدا کرده‌ام». و همچنین می‌گفت: «آن آرامشی که من در این میدان احساس می‌کنم، در هیچ جا احساس نکرده‌ام».

از آن‌جایی که شهید مولوی زبیر عالم بود و امیران میادین جهاد با اخلاق وی آشنا بودند، ایشان را در براپچه و خاشرود به عنوان امیر اتاق تعیین کردند.

از صفات بارز ایشان که اکثر مجاهدینِ تحت امر ایشان بر آن اتفاق دارند، تدبیر ایشان در مدیریت مجاهدین بود. از هر مجاهدی که دربارهٔ صفات ایشان پرسیدم، از اخلاق و تعامل بسیار خوب با مجاهدین تحت امر و مدیریت عالی ایشان سخن می‌گفت.

تا حد توان خود تلاش می‌کرد تا با مجاهدین آمرانه سخن نگوید و در فضای برادری، آن‌ها را مشاورانه به کاری امر کند که نتیجهٔ بسیار مثبتی داشت، و هنوز اخلاق زیبای‌شان از اذهان مجاهدین پاک نشده است.

شهادت

در تاریخ ۳/۹/۱۳۹۷ هـ.ش، اشغال‌گران آمریکایی در نیمه‌های شب بر اتاق مرکزی مجاهدین به نام «مهاجر» در کمربند ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز، چاپه زدند، که در نتیجه و پس از مقاومت شدید، چندین تن از مجاهدین شهید شدند.

شهید مولوی معاذ امیر اتاق عثمانی؛ نزدیک‌ترین اتاق در کمربند خاشرود به مراکز دشمن، بود. بعد از چاپهٔ اشغال‌گران، چندین طیارهٔ بی‌سرنشین به هدف کشف و هدف‌گیری مجاهدین، بر فضای کمربند می‌چرخیدند. مجاهدین اتاق عثمانی که از واقعه و حقیقت ماجرا خبر نداشتند به‌خاطر حفاظت‌شان از طیاره‌های بی‌سرنشین، انتشار کرده بودند و مخابره‌ها نیز در آن زمان کار نمی‌کردند.

موقعیت کمربند خاشرود طوری است که هنگام گشت‌زنی هر نوع طیاره‌ای، مجاهدین نباید دیده می‌شدند تا مبادا موقعیت‌شان کشف شود؛ چون کمربند خاشرود فقط مختص مجاهدین بود و مردم عوام آن‌جا نبودند.

مولوی معاذ چند روز قبل از چاپه خواب دیدند که شهید ایوب جای خوبی است و به مولوی معاذ می‌گوید: همهٔ ما منتظرت هستیم، تو کی می‌آیی؟

همچنین بعضی از مجاهدین که با شهید مولوی معاذ در اتاق عثمانی بودند، نقل می‌کنند که ایشان قبل از شهادت خواب دیدند که با مولوی سعد یک‌جا شهید می‌شوند، چنان‌که با آمدن شهید مولوی سعد به خاشرود، مولوی معاذ از دیدنش خوشحال شده و به شهادتش یقین می‌کند.

مولوی معاذ بعد از دیدن این خواب‌ها و یقینش به شهادت، گوشی خود را به یکی از دوستانش به نام مولوی دادالله داده و در کتابچه‌ای وصیتش را می‌نویسد. همچنین به مولوی دادالله می‌گوید که خواب را برای کسی تعریف نکند، و مولوی دادالله نیز بر این گفته عمل کرده، و تا زمان حیات‌شان چیزی نگفت، تا اینکه مولوی معاذ شهید شد و مولوی دادالله وصیتش را برای مجاهدین تعریف کرد.

مولوی سعد -تقبله‌الله- شب چاپه بدون کدام اطلاعی از رودبار -مرکز مجاهدین در ولسوالی چهاربرجک ولایت نیمروز- به همراه چندتن دیگر از مجاهدین روانهٔ خاشرود می‌شود و شب را در جایی سپری می‌کند. وی هنگامی که به کمربند می‌رسد، برای بیرون‌کردن مجاهدین و انتقال‌شان از اتاق عثمانی، به آن‌طرف می‌رود. به آن‌جا که می‌رسد مولوی معاذ را می‌بیند و به وی می‌گوید: شنیده بودم که شهید شدی، و مولوی معاذ در جواب می‌گوید: غم نخور مولوی، من و تو هردو یک‌جا شهید می‌شویم.

وی همچنین در میان دوستان در حالی که طیاره‌ها بر آسمان خاشرود می‌چرخیدند گفته بود: حورها بالای این طیاره‌ها نشسته‌اند، معلوم نیست چه کسی را انتخاب کنند.

دو یار دل‌دار، مجاهدین را به‌سوی وطن انتقال می‌دهند (وطن در اصطلاح به منطقه‌ای از خاشرود گفته می‌شود که عموم مردم آنجا زندگی می‌کنند) و خود آخرین کسانی هستند که می‌خواهند کم‌کم از ساحهٔ کمربند خارج شوند، که ناگهان طیاره‌های اشغال‌گران هردوی‌شان را در تاریخ ۴/۹/۱۳۹۷ دیده و بمباران می‌کنند، و روح این دو یار دلدار به‌سوی علیین پرواز می‌کنند. تقبلهماالله.

یکی از دوستان شهید مولوی معاذ دربارهٔ ایشان چنین می‌نویسد: هنوز تبسم زیبایش برایم تازگی دارد. در برابچه و پیش از شروع معسکر تعلیمی باهم بودیم، شوق‌وذوق وافری برای مشاهدهٔ مجاهدین قدیمی داشت. هنگامی که مجاهدین می‌آمدند، همه دوروبر آن‌ها جمع می‌شدیم و از دیدن آن‌ها لذت می‌بردیم؛ اما شهید زبیر -تقبله‌الله- مؤدبانه نشسته و به چهرهٔ مجاهدین خیره می‌شد و اشک از چشمانش جاری می‌گشت.

صدق و اخلاص و صفا را می‌شد در چشمانش دید، شهید -رحمه‌الله- شوق و حماسهٔ زیادی به میادین جهاد داشت، متعلم مدرسهٔ دینی بود و تعطیلات را غنیمت شمرده و به سنگر می‌رفت، تا اینکه بعد از فارغ‌التحصیلی برای همیشه راه جهاد علیه اشغال‌گران را انتخاب کرد. شهید می‌توانست مشغول تدریس شده و در این سنگر علمی جهاد کند، اما وی شیفتهٔ سنگر جهاد بود. ایشان عاشق شهادت و جهاد بود و فضایل آن را بارها در قرآن و حدیث و سخنان عالمان دیده و شنیده و شوقش دوچندان گشته بود و نمی‌توانست از سنگر دور باشد.

طبق گفتهٔ شاعر: لذت این باده ندانی، بخدا تا نچشی!

آن که معامله‌اش با خدا باشد شیرین‌ترین لحظه‌ی زندگی‌اش در خاک‌وخون غلطیدن برای رضای دوست است. شهید نیک می‌دانست که واجبِ وقت، پیوستن به میدان جهاد است

وجود اهل علم در میان مجاهدین ضروری بود و شهید با مشاهدهٔ کمبودی در این میدان، این راه را انتخاب کرد و به آرزویش رسید.

ایشان فردی خوش‌اخلاق، شجاع و مبارز بود و نسبت به هم‌سنگرانش احساس مسئولیت می‌کرد و برای‌شان ناصحی دل‌سوز بود.

شهید الگویی برای اهل علم و فارغ‌التحصیلان مدارس دینی است. فارغ‌التحصیلی سرآغاز خدمت، قربانی و فداکاری برای اسلام است و بعد از فراغت، مجاهدت و قربانی شروع می‌شود و با موت پایان می‌یابد. بعد از سال‌ها تعلیم و تربیت، نباید به یک مکتب بسنده کرد و نسبت به مصیبت‌های امت بی‌تفاوت نشست.

شهید -رحمه‌الله- از نبرد امروزی به خوبی آگاه بود و جان خود را برای دفاع از مظلومان فدا کرد. در نبرد ایمان و کفر، راحتی و آسایش معنایی ندارد و باید با خستگی‌ناپذیری وارد میدان شد و هر فرد، سنگر خود را بگیرد تا مبادا از آنجا اسلام ضربه بخورد.

امارت اسلامی افغانستان مدیون خون مبارک این شهیدان مخلص و صادق است که بی‌ادعا خود را فدا کردند تا مسلمانان را از یوغ بردگی و اشغال نجات داده و به عزت اسلام برسانند.

خداوند منان به بازماندگان، توفیق پایداری بر عهد با خدای‌شان و استقامت بر آرمان‌های هم‌سنگران شهیدشان بدهد و ما را خائن به خون شهیدان قرار ندهد. آمین.



بیانیه‌ها و پیام‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان



اعلامیه امارت اسلامی در پیوند به ششم جدی سال‌روز تجاوز اتحاد شوروی سابق

چهل و پنج سال قبل از امروز در ششم جدی سال ۱۳۵۸ قشون سرخ شوروی سابق به همراهی چند تن از دست‌نشاندگانشان بالای افغانستان تجاوز نمودند.

این زمانی بود که همه چیز از جمله دین، آزادی، آبادی و امنیت اجتماعی افغان‌ها به‌خطر و تهدید مواجه گردیدند.

الحمدلله ملت شجاع افغان در برابر این تجاوز آرام ننشستند، بلکه با یک صدا، اتحاد و دلیری در مقابل قشون سرخ ایستادگی کردند و سر، مال و همه چیز خود را در راه جهاد فدا نمودند.

در نتیجه قربانی‌ها، هجرت‌ها، شهادت‌ها و خستگی‌های جهاد، افغان‌ها به نصرت الله جل‌جلاله، بعد از ۹ سال روزی فرا رسید که قشون مغرور سرخ، با ذلت در افغانستان شکست خوردند و با سرافکندگی از افغانستان فرار کردند.

این جریان ثابت ساخت که افغان‌ها مردم دین‌دوست می‌باشند، آزادی و استقلال برایشان ارزش دارد و در دفاع از عقیده خود، از همه‌چیز می‌گذرند.

این امت پرافتخار همیشه این‌گونه سربلند، متحد و استوار بر دین خود خواهند ماند. انشاء الله تعالی

امارت اسلامی تجاوز اتحاد شوروی سابق در ششم جدی را محکوم می‌کند و به جهاد و فداکاری افغان‌ها در برابر آن، افتخار می‌نماید و برای همه شهدای راه آزادی و جهاد در برابر تجاوز شوروی، بهشت برین و برای مجروحین و معلولین، اجز استدعا می‌نماید.

همچنان نسل‌های آینده را متوجه می‌سازد که همیشه باید در راه دفاع از دین و وطن، راه اسلاف خویش را تعقیب و در برابر هرگونه تجاوز و ظلم، شجاعانه ایستادگی کنند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۶/۶/۲۴هـق

۱۴۰۳/۱۰/۶ هش-۲۰۲۴/۱۲/۲۶

پیام تسلیت امارت اسلامي به مناسبت شهادت وزیر مهاجرین، الحاج خلیل الرحمن حقانی

بسم الله الرحمن الرحیم

با کمال تأسف مطلع شدیم که وزیر مهاجرین امارت اسلامي، الحاج خلیل الرحمن حقاني، امروز بعد از ظهر در یک حمله ناجوانمردانه خوارج به شهادت رسید.

إنا لله وإنا إلیه راجعون

امارت اسلامي شهادت مرحوم حقاني صاحب را یک ضایعه بزرگ براي امارت اسلامي، مجاهدین، خانواده‌اش و تمام افغانها می‌داند و برای ایشان بهشت برین و برای خانواده، دوستان و وابستگان وی صبر جمیل و اجر جزیل آرزو دارد.

الحاج خلیل الرحمن حقاني یک مجاهد خسته‌ناپذیر در راه خدا بود که تمام عمر خود را در دفاع از دین خداوند در جهاد، مهاجرت و تحمل سختی‌ها سپری کرد. او یکی از اعضای خانواده بزرگ جهادی بود که دشمنان اسلام برای سر وی پنج میلیون دلار جایزه تعیین کرده بودند. اما متأسفانه امروز توسط همان خوارجی که خود را مسلمان می‌نامند و دیگر مسلمانان را تکفیر می‌کنند، به شهادت رسید.

چنین عمل بزدلانه نمی‌تواند اراده مسلمانان را تضعیف کند یا توطئه‌کنندگان را به اهداف شوم خود در برابر نظام اسلامی مستحکم ما برساند، بلکه این‌گونه اعمال بزدلانه چهره دشمنان دین و اسلام را سیاه‌تر کرده و نیات شوم آنها را آشکارتر می‌سازد.

امارت اسلامي افغانستان

۱۴۴۶/۶/۹هـ ق

۱۴۰۳/۹/۲۱هـ ش ــ ۱۱/۱۲/۲۰۲٤ م

بزم شعر و ادب

گل مِهر

آن‌گونه که دردی به دوا رابطه دارد
این خاکِ ستم دیده به ما رابطه دارد

آبادی این خطّه و آزادی این خاک
حقّا که به عشق و به وفا رابطه دارد

از مهر بسازیم فضایی که، سرشتِ
این باغ به آب و به هوا رابطه دارد

در جای خصومت، گلی از مهر بکاریم
این موهبتِ سبز به ما رابطه دارد

ما این‌طرف قضیه‌ایم و سعی نماییم
آن‌سوی قضایا، به قضا رابطه دارد

پیوندِ عمیقی‌ست میان من و میهن
آن‌گونه که دردی به دوا رابطه دارد

عبدالله حامد تاتار

روشنایی در تاریکی

زندگی گاه گِریه و گاه خنده است
زندگی هم شام و صبح زنده است

تلخ و شیرین، میوۀ شام و سحر
آنکه خورده؛ زنده و سرزنده است

زندگی یکدم نشیب؛ یکدم فراز
شادی و غم، در سرشتِ بنده است

شادی و غم، صبح و شامِ در گذر
شادی و غم با خدا ارزنده است

گِریه و خنده، به کار نیک و خوب
شادی و پیروزیِ پاینده است

خنده و شادیِ این دنیای دون
آتش و نابودی و سوزنده است

بردبار و هوشیار شد کامگار
تیزی و تندی و خشم، بازنده است

شامِ حق «فردانیا»! آخرّ سحر
در دل روشن، خدا تابنده است

استاد سیدعبدالرشید فردانی

کارگر روز مزد و فصل سرما

کارگر هستم غریب و هم ندارم کلبه‌ای | کارگر روز مزد باشم کو ندارد بیمه‌ای
فصل سرما در رسید و هم خنک بیداد کرد | گشته اَم افسرده خاطر چون ندارم شیمه‌ای
روزگارِ را به سختی تا توانِ داشتم | سر نمودم همچنان در خیمه‌ی صد پینه‌ای
آرد و روغن و پیاز و هم نمک پیدا نشد | اندرین خیمه چو سازم چکه اشکنه‌ای
در پی (دو نان) رفتم از پی دونان شهر | چون به دسترخوان نبوَد نیمه نان و لقمه‌ای
هیزم و مواد سوخت گر ندارم عار نیست | جمع و غُند سازم پلاستیک ها از راه و کوچه‌ای
ور ندارم صندلیِ آنچنانی یا بخاری این چنین | گرم سازم خویشتن را زیر لحافِ نیمه‌ای
جمله‌ی اعضای فامیل شد مریض و خسته ایم | کی توان رفت پیش داکتر تا که گیریم نسخه‌ای
گفت: (نمیترسی ز برف و یخبندان) گفتم | نه چرا ترسم چو دارم کمپل پشمینه‌ای
ای (وکیل) وی که امروز دست تو بالاترست | دست گیری کن ز کارگری چنین و خسته‌ای

وکیل احمد «فیضیان»

نامد از من در جوانی طاعت چندان دریغ | نیست هیچ افعال من شایسته یزدان دریغ
یک نمازی را نکردم با حضور دل ادا | نامد از من هیچ احسانی به مظلومان دریغ
روزه من هیچ نامد لایق دربار حق | زان‌که افطاری نکردم من به درویشان دریغ
در زکات از مال دنیا دست من کوتاه بود | جود نامد از من محزون به مسکینان دریغ
در طواف کعبه توفیق خدا یارم نشد | بر دلم خورد از غم خار مغیلان این دریغ
من پدر را خدمتی چندان نکردم وای وای | با برادر نامد از من شفقت و احسان دریغ
خدمت نیکان نکردم در زمان عافیت | این زمان گردیده ام با خویشتن حیران دریغ

میر شمس‌الدین کبرزانی

The Chronicles of the Battlefield, Part Seven: The Courage of a Mujahid Woman

 *By: Hafiz Mohammad Dawood Mohajir*

One of the Mujahideen commanders shared a remarkable story with me, one that is truly deserving of admiration and envy. The bravery of an elderly woman, who, upon witnessing the Mujahideen on one side and the enemies on the other, was overwhelmed by a sense of honor. With her impassioned words and the stance, she took in support of the Mujahideen, she ignited a great fire against the bloodthirsty enemies. May Allah reward her abundantly.

Indeed, in this land, the courage of a resolute woman often matches the bravery of dozens of strong and youthful men. The history of this nation is filled with countless stories of women who fought alongside their sons, husbands, and brothers, sacrificing their lives and laying down their heads for the cause. Many of these women are etched in the memories of Mujahideen, who wish to see their stories immortalized in history so that their legacies endure.

In the story I am about to share, I will highlight the courage and valor of an elderly woman, juxtaposed with the cowardice of a man who attempted to prevent the Mujahideen from setting up an ambush nearby.

What is Typhoid Fever?

 *By: Qaseem ur-Rahman Ahrari*

Typhoid fever is an infectious disease caused by bacteria that can lead to perforation of the small intestines and internal bleeding within the abdomen. It is an acute gastrointestinal infection, commonly referred to as Enteric Fever, which can affect individuals of all ages. However, infants and people over the age of 60 are generally more susceptible to severe cases of this disease. A milder variant of this condition is known as paratyphoid fever.

Typhoid fever is a serious, acute illness that can threaten a patient's life. It is primarily found in tropical regions and is closely linked to public health, sanitation, clean water, and environmental conditions. Consequently, it is most common in Asia, Central Asia, and South America, and can sometimes spread in the form of epidemics.

Eternal Martyrs - Part 40
The Wise Leader and Revered Scholar: Martyr Mawlawi Mu›adh (Zubair) - May Allah Grant Him Mercy

 *By: Omar Kandahari*

Many years ago, I had the privilege of spending time with a dear friend, a capable call to Islam, and a courageous Mujahid, the martyr Mawlawi Saad – May Allah Accept Him. His beautiful character, his kindness, and the perilous path he chose endeared him to our hearts, to the point where he became the most beloved person to us, and his path became the most cherished. Martyr Mawlawi Saad – May Allah Accept Him – was one of the 18 individuals who were martyred in the bombing and large-scale raid conducted by American forces.

A few years ago, on the night of December 3, 2018, American forces launched a major raid on the Mujahideen's stronghold in the Khashrod district of Nimroz province. The raid was met with fierce resistance from three valiant Mujahideen: Ustad Obaid, Shirdil, and Ustad Yasir. Their bravery was so immense that the shouts of the American soldiers could even be heard by the local residents, who witnessed the events unfold.

The Significance and Role of Ethical Values and Virtues in Individual and Social Life

 *By: Mohammad Saber Sadeqi*

The term Makarem is derived from the Arabic word Makaremah, denoting a pure, vibrant, and fertile land conducive to the growth of beneficial plants. Similarly, the concept of Arzish originates from the root Arz, which conveys the notions of worth and intrinsic value.

In the context of ethics, Makarem or moral virtues epitomize the innate purity and noble disposition of human beings, serving as the foundation from which virtuous, righteous, and praiseworthy actions naturally emerge.

The origins of moral virtues can be traced to the concept of dignity (Karamat), as emphasized by the Almighty Allah in the verse: "Indeed, We have bestowed dignity upon the children of Adam."

Thus, both dignity (Karamat) and moral virtues (Makarem) share a common source. Accordingly, adherence to ethical values and moral virtues reflects the inherent greatness of humanity, while their neglect signals a deficiency in character.

Winter: An Opportunity to Focus on and Collaborate for the Needy

 *By: Professor Sayed Sadiq Gilani*

In the cold winter weather, the clothes and items we may no longer need could be the very wish of thousands of innocent children and impoverished individuals. Therefore, let us act swiftly and, to the best of our ability, fulfill our responsibility towards those in need.

Many of our fellow citizens are struggling economically and are unable to afford fuel during this cold season.

Today, each of us enjoys the comfort of a warm home, seated beside our family and children.

But are we aware of the children who, in this harsh winter, have neither fuel to keep warm nor food or drink to sustain them?

Have we ever taken the time to witness their plight firsthand, offering our sympathy, even without providing assistance?

Indeed, we are responsible.

The Role of CCTV Cameras in Crime Reduction and Enhancing Social Security

 *By: Professor Mohammad Jawad "Forutan"*

In today's world, security and the reduction of crime have become fundamental concerns for societies. Among the various strategies, the use of modern technologies and tools, such as CCTV cameras, has proven to have a significant impact on improving public safety and reducing crime rates. CCTV cameras, as a crucial surveillance tool, not only provide continuous monitoring of various environments but also serve as a deterrent against criminal activity. This article examines the role of CCTV cameras in crime reduction and the enhancement of social security.

The Impact of CCTV Cameras on Crime Prevention:

A key feature of CCTV cameras is their effectiveness in deterring crime. Research has shown that the presence of surveillance cameras significantly lowers the likelihood of criminal acts. Criminals often fear being apprehended and legally pursued, leading them to avoid areas under surveillance. As a result, regions equipped with cameras tend to enjoy higher levels of security compared to those without such monitoring systems.

A Significant Step in Diplomacy

By: Rahmatullah Fayzan

The Russian Parliament has voted in favor of removing the Islamic Emirate of Afghanistan from its list of terrorist organizations.

According to a report by the BBC, this move was anticipated, as Moscow seeks to establish a constructive relationship with Afghanistan. The Russian Foreign Minister has praised the efforts of the Islamic Emirate in combating narcotics and has recommended to other nations that they lift sanctions against the Islamic Emirate and collaborate in Afghanistan's reconstruction efforts.

The actions taken by Afghanistan's Ministry of Foreign Affairs in this regard are praiseworthy. The Ministry has actively worked to strengthen ties with Russia and encourage Moscow to initiate positive engagement with Afghanistan. The removal of the Islamic Emirate from the list of terrorist organizations marks a significant diplomatic achievement for the Islamic Emirate.

The Responsibility of Experts Toward the Nation and the Country

By: Ahmadullah Jalali

Experts, as individuals endowed with knowledge, specialization, and experience in various fields, play a crucial role in the advancement and development of a nation. Their responsibility extends beyond the provision of technical expertise; it encompasses a commitment to national interests, professional ethics, and service to society. This article explores the multifaceted responsibilities of experts toward their nation and country, analyzing their significant role in improving social, economic, and cultural conditions.

The Role of Experts in National Development

By applying their knowledge and experience, experts can take impactful steps toward national development. National development is defined by the improvement of citizens' quality of life through the enhancement of infrastructure, education, healthcare, technology, and the economy. Experts in various fields, from architecture and healthcare to the humanities and technology, play a central role in this process.

Imam Shash Noor

By: Mohammad Sediq Mir

When we refer to Herat, it is the city of the righteous and believers, the city of culture, art, and literature, the city of Khwaja Abdullah Ansari (may Allah sanctify his soul), the city of Mawlana Jami and Khwaja Ghaltan Wali, the city of Khwaja Mohammad Taki, and the city of the shrines of the Imams, it is indeed so.

In this ancient and historic city, numerous prominent figures, leaders, and Imams of the Islamic faith have lived since the time the people of this historic region embraced Islam. After their passing, they were respectfully buried here, with their tombs being honored and revered by all.

One of the most notable shrines in this ancient region is that of Imam Shash Noor (RA), located in the village of Imam Shash Noor. This village is part of the Injil district and is situated to the east of Herat city. The place is situated beside the Ghor Dan Castle and to the north of the village of Bashan, which is now more commonly known as Khushbashan.

embodying a divine purpose in every endeavor he pursued.

Haji Khalil, a distinguished member of the prominent Haqqani family, was celebrated as a revered elder within his tribe, community, and the Afghan nation. While his youth was marked by the grueling realities of war and critical military responsibilities, he also demonstrated exceptional natural talent and skill in civilian leadership. His remarkable journey—from a fearless warrior to a compassionate statesman—cemented his legacy as a symbol of resilience, peace, and humanitarianism.

Development Projects: A Pathway to Economic Advancement and National Self-Sufficiency

 *By: Shafiqa Amiri*

The withdrawal of U.S. forces from Afghanistan on August 15, 2021, coupled with internal political shifts, led to severe economic instability in the country. Afghanistan's already fragile economy, which had long been reliant on foreign aid, faced further deterioration as international assistance diminished and was cut off, exacerbating economic conditions and reducing employment opportunities. In the face of these challenges, with Afghanistan standing on weak and precarious economic foundations, the Islamic Emirate of Afghanistan successfully managed to stabilize the economic situation and restore public order across the nation. During this period, the Afghan government initiated and completed numerous development and economic projects in various provinces.

Despite the ongoing challenges, including international sanctions and a lack of formal recognition—major barriers to foreign investment—the Islamic Emirate has made substantial efforts to attract international investors.

China, Afghanistan's neighbor with the shortest shared border, has maintained close and cordial relations with the Islamic Emirate. The country aims to revive East-West trade through infrastructure and transportation projects along the historic Silk Road. Additionally, China has expressed interest in collaborating with the Islamic Emirate in areas such as energy, infrastructure, and the utilization of natural resources. A notable example of this collaboration is the agreement between the Islamic Emirate and the Chinese company, Kyanq, for oil extraction in the Amu Darya basin.

Die, but Do Not Let the Voice of Truth Be Silenced!

 *By: Adham Sharqawi--Translator: Mustafa Tavakoli*

An intriguing tale from the past is often recounted, which goes as follows: There was a rooster that crowed at dawn, and its owner became increasingly frustrated because it disturbed his sleep. One day, the owner said to the rooster, "Cease your calling of the Adhan, or I will kill you." The rooster, contemplating the situation, thought to itself, "In times of necessity, the forbidden may become permissible, and it is part of Shariah jurisprudence to make a small concession in order to preserve one's life. Besides, there are many other roosters who will certainly call the Adhan." Consequently, the rooster stopped its call.

A week later, the owner returned and told the rooster, "Simply refraining from calling the Adhan is not enough. If you do not make the 'cluck-cluck' sound like a hen, I will slaughter you."

The rooster again reflected and repeated its earlier reasoning, saying, "In times of necessity, the forbidden may become permissible, and it is part of Shariah jurisprudence to bend slightly in order to weather the storm. There is no harm in a little 'clucking'."

Editorial:
Transforming Kabul into a Modern and Dignified Capital Befitting an Ancient Nation

National capitals are universally regarded as emblematic representations of their countries, embodying and showcasing the essence of their cultural, historical, and societal values.
Kabul, the capital of our ancient and culturally rich nation, stands as a repository of profound historical heritage and unparalleled cultural significance. Its governance and urban planning must be designed to reflect and uphold these remarkable attributes.
Globally, Afghanistan is often synonymous with Kabul—a distinction that underscores the imperative for focused attention and dedicated efforts to enhance and manage the city's development.
As a city of exceptional importance and uniqueness, Kabul has consistently attracted the attention of successive administrations and remains unrivaled in its stature within the region.
This storied province has served as a host to countless luminaries—renowned religious scholars, globally acclaimed intellectuals, and distinguished figures—making it a beacon of history and culture that few other capitals in the region can rival.

Opportunities and Strategies for Development in Afghanistan

 *By: Maqsoud Ebrahimi*

Afghanistan, like other developing nations, faces a spectrum of challenges and opportunities in its pursuit of progress, particularly in the economic domain. This article examines key areas of potential growth and strategic initiatives that can facilitate economic advancement and foster sustainable development.

Economic Growth

Economic growth is a cornerstone of modern governance, serving as a catalyst for societal prosperity and enabling policymakers to design and implement comprehensive development programs.
In recent decades, numerous developing nations have achieved significant economic growth, leading to improved living standards and a notable reduction in poverty rates. Afghanistan can draw valuable lessons from these experiences to craft its own path toward economic resilience.

Infrastructure Development

Strategic investment in critical infrastructure—such as transportation networks, energy systems, and communication technology—constitutes a fundamental pillar of economic progress. Robust infrastructure not only reduces operational costs and enhances efficiency but also expands access to global markets, creating a solid foundation for sustained economic growth.

Martyr Haji Khalil: A Paragon of Courage and Compassion

 *By: Mawlawi Naeem-ul-Haq Haqqani*

The heartbreaking martyrdom of the late Haji Khalil-ur-Rahman Haqqani (may Allah grant him eternal peace) was an immense shock to all. Once a valiant leader on the battlefields of jihad, he later emerged as an unwavering advocate for peace and benevolence. In every role he undertook, he became a pillar of hope for Afghanistan's vulnerable and displaced populations, dedicating himself wholeheartedly to their welfare. His boundless energy, passion, and commitment to his duties were unmatched,

افغانستان و استاندرد سازی

برای بالا بردن کیفیت و معیارسازی یک کشور نیاز است که قانون‌هایی در آن کشور وضع گردد تا در صنعت و ساخت‌وسازها از هرج و مرج جلوگیری صورت گیرد و هر کس طبق میل خویش هر چه را که هر گونه خواست وارد بازار نکند و همان‌طور که برای گردش چرخه‌های اقتصادی لازم است که فابریکه‌ها ایجاد گردند و به آنان تسهیلات اعطا گردد در کنار آن نیز لازم است که معیارهایی تعیین گردد تا کیفیت در کشور کنترل شود.

در کشور ما افغانستان برای کنترل کیفیت‌ها ادارهٔ ملی استاندارد فعالیت دارد.

در اینجا لازم است که تعریف استندرد ملی دانسته شود:

از نظر فنی وضع قوانین و مقررات برای تعیین کیفیت و مشخصات مطلوب یک کالا یا خدمات را استندرد می گویند. یک گروه از استندردهای تدوین شده در سطح دنیا استندردهای ملی هستند.

استندرد ملی استندردهایی هستند که شامل مستندات و مقررات کیفی، تعاریف، روش‌های آزمون و الزامات و قوانین یک کشور در مورد محصولات خود یا محصولاتی که در آن کشور اجازه فروش پیدا می‌کنند که به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان تعیین می شوند. این گروه از استندردها به وسیله ادارهٔ استندرد آن کشور و با توجه به شرایط مختلف مانند شرایط اقتصادی، فنی و غیره تهیه می‌شوند.

ادارهٔ ملی استندرد در افغانستان سازمانی است که وضع گردیده تا اصول اقتصادی رعایت گردند و کسی نتواند آن را دور بزند و هدف اصلی این سازمان این است که سعی می‌کند از طریق تدوین، تصویب تطبیق و نظارت بر تطبیق استندردهای ملی، در بخش اقتصاد، انکشاف صورت بگیرد و سکتور های خصوصی حمایت بشوند و حقوق استفاده کنندگان محفوظ بماند و به محیط زیست هیچ ضربه ای وارد نگردد. ادارهٔ ملی استندرد افغانستان تحت رهبری امارت اسلامی عضو سازمان‌های جهانی استندرد است و در نشست‌های مختلف آن حضور فعال داشته و مصوبات آن نشست‌ها در افغانستان اجرا می‌کردند.

برای مردم افغانستان واضح و روشن است که امارت اسلامی به استندرد سازی متعهد بوده و عدم کیفیت را نمی‌پذیرد و دلیل این مدعا همین است که مردم افغانستان شاهد هستند که هر چند وقت یکبار در خبرها می‌آید که چندین تانکر تیلی که از استندرد مورد نظر برخوردار نبودند واپس گردیدند.

این حرکت‌ها نمایانگر این هستند که دولت جدید در صدد است تا خرابه‌ای را که از جمهوریت فاسد تحویل گرفت به قله‌های مجد برساند و از آن چهره‌ای زیبا به جهانیان بنمایاند.

عبدالمالک عزیزی

HAQIQAT

Volume: 12, Issue: 2,
January & Februray 2025

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine

کار اعمار و ساختمان ۱٤ محراب مسجد در مسیر شاهراه کابل - هرات پیشرفت فزیکی متفاوت جریان دارد

به اساس حکم رهبر امارت اسلامی، کار اعمار و ساختمان ۱٤ محراب مسجد را در مسیر شاهراه کابل-هرات، که از این میان ٦ محراب مسجد در مسیر شاهراه کابل-کندهار و ۸ محراب مسجد در مسیر شاهراه کندهار-هرات با شرکت های مختلف ساختمانی به ارزش مجموعی ٤٦٧٫٧ میلیون افغانی قرارداد شده است که اکنون کار آن به سرعت جریان دارد.

ارتباط با ما


واتساپ ۰۰۹۳-۷۹۴۳۶۹۲۹۹

ایمیل haqiqat.mag@gmail.com
ایمیل مجله تنها آدرس دریافت مقالات نویسندگان می‌باشد.

توئیتر Twitter.com/HaqiqatMagazine

تلگرام T.me/haqiqatmagazine